

# تساره‌سرخ

ارکان تئوریکت - سیاسی سازمان انقلابی

در این شماره:

\* مختصری درباره "سازمان انقلابی"

\* انقلاب کنونی

دوره ی سوم - شماره ی اول ، اسفند ماه ۱۳۵۷

## سخنی با خوانندگان

"ستاره سرخ" مجله‌ای بود که برای نخستین بار توسط "حزب کمونیست ایران" در دوران اختناق رضاخان طاغوت، انتشار یافت. سازمان مادر سال ۱۳۴۹ دوره‌ی جدیدی از زندگی "ستاره سرخ" را آغاز کرد و ۸۱ شماره از آنرا بصورت روزنامه منتشر ساخت. "ستاره سرخ" این بار دوره‌ی سوم انتشار خود را آغاز میکند و بصورت مجله‌ای که ارگان تئوریک - سیاسی سازمان انقلابی است، درمی‌آید.

در این شماره دو مقاله را آورده‌ایم: مقاله‌ی "مختصری درباره‌ی سازمان انقلابی"، بطور فشرده تاریخچه فعالیت سازمان و خط عشی ایدئولوژیک - سیاسی و برخی نکات برنامه‌ای آنرا برای خوانندگانی که تا بحال فرصت دسترسی به نظرات سازمان انقلابی را نداشته‌اند، بازگو میکند. مقاله دوم "انقلاب کنونی" متن سخنرانی رفیق فرهودی است که در جلسه‌ای از کادرهای سازمان ما در هفته‌ی دوم اسفند ماه ۱۳۵۷ قرائت گردید. "ستاره سرخ" با اعتقاد به اینکه بدون پیوند فشرده با خوانندگان خود و بدون تکیه به آنان نخواهد توانست خدمت کوچک خود را با انقلاب میهنمان و زحمتکشان، به وحدت خلق و وحدت مارکسیست - لنینیستها بخاطر ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر بدرستی انجام دهد، از کلیه‌ی خوانندگان میخواهد نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به دفتر مجله بفرستند. ما بزودی آدرسی در اختیار شما قرار خواهیم داد.

با سلامهای گرم

هیات تحریریه

## مختصری درباره سازمان انقلابی

سازمان انقلابی، اکنون پس از سالهای متمادی مبارزه مخفی بشکرانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی کسبه انقلابی ضدامپریالیستی و ضد استبدادی است، مبارزه‌ی علنی خود را آغاز میکند.

رژیم منفور پهلوی، رژیم‌ی که وابسته به امپریالیسم آمریکا بود و در سیاست داخلی با ایجاد دستگاه فاشیستی ساواک، ترور و اختناق را اعمال میکرد، شدیداً از پیش و اشاعه‌ی مواضع و نظرات انقلابی جلوگیری و آنها را سرکوب مینمود، درست بهمین علت سازمان ما مجبور شد در شرایط سخت‌کار مخفی و با تحمل مشکلات و خطرات زیاد کوشش کند تا نظرات و عقاید سازمان را به مردم برساند. اما با تمام این احوال ما امروزه بینیم که بسیاری از مردم به آنها دست نیافته‌اند. در نتیجه در آغاز کار علنی وظیفه‌ای در مقابل ما قرار میگیرد؛ معرفی سازمان خود. این وظیفه‌ایست که ما در زیر با اشاره‌ای بتاریخ گذشته و مواضع کنونی کوشش میکنیم انجام دهیم:

سازمان انقلابی بعنوان بخشی از جنبش آگاه کارگری و انقلابی ایران، بر اساس تئوری مارکسیستی - لنینیستی و با توجه به تجارب غنی مبارزات، جنبشها و انقلابهای خلقهای قهرمان و انقلابی ایران بوجود آمد. این سازمان شمره‌ی مبارزه‌ی طولانی و بی‌فراخ را و کارهای حزب توده ایران میباشد. این حزب که بر اساس سیاستهای اصلاح طلبانه، نه انقلابی با برعه‌ی وجودگذاشت، بر اثر ایدئولوژی غیرپروولتری، خط مشی سیاسی انحرافی و تاکتیکهای فرصت طلبانه‌ی رهبری آن، پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد عملاً با شکست مفتضحانه‌ی روبرو گردید و پس از تسلیم شدن عده‌ای از رهبران و فرار عده‌ای دیگر بخارج، حزب را بحران بیسابقه‌ای فراگرفته در ایمن جریان بسیاری از اعضا و کاردها در زندانها و در حالت مخفی بخاطرجات حزب ونوسازی آن به مبارزه برخاستند. این مبارزات با ایجاد سازمان انقلابی در سال ۱۳۴۳ در خارج کشور از صورت پراکنده بیرون آمد.

دستاورد این مبارزه‌ی درون حزبی در آن زمان از جمله: مبارزه علیه فرارطلبی و مهاجرت نشینی، مبارزه علیه راه پارلمانی و مسالمت آمیز و مبارزه علیه وابستگی و دنباله روی بود. این سه دستاورد

تأثیری دیرپا بر روی رشد بعدی سازمان ما بجای گذارد. لحظه‌ای بر روی آنها تأمل نمیکنیم :

مبارزه علیه تسلیم طلبی، فرارطلبی و مهاجرت‌نشی: روزی که بعنوان یک کادر بالای حزب، درست بخاطر مبارزه علیه سقوط روحیه‌ها و بحران درون حزبی به مبارزه‌ی قاطع علیه سیاست تسلیم‌طلبی و فرار طلبی رهبری حزب برخاستم و برخلاف پیشنهادها در رهبری فراری کمیته مرکزی که او هم بخارج رود، در ایران ماند، مبارزه را ادامه داد و بهنگام دستگیری و در بیدارگاه‌های نظامی رژیم فاشیستی پهلوی از شرافت انقلابی خود و تمام اعضای مومن، صادق و انقلابی حزب دفاع نمود. سازمان انقلابی ما در خون روزبه نطفه‌ی تکوینی خود را یافت و با طرد و انتقاد فرارطلبی و مهاجرت‌نشی کمیته مرکزی، پس از ایجاد، با تمام امکانات محدود خود، روی ادامه‌ی مبارزه در میان مردم و در پیوند با آنها فشار نمود. سر بلندی سازمان ما در اینست که در شرایط ترور و خفقان، همیشه سهم خود مشعل مبارزه را در داخل با تمام ضرباتی که خورد روشن نگاه داشت.

مبارزه علیه راه پارلمانی و مسالمت‌آمیز: کمیته مرکزی حزب توده بنا بر ماهیت فرصت طلبانه‌ی خود، راه پارلمانی و شیوه‌ی مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز را بعنوان خط مشی عمومی خود قبول کرده بود. با روی کار آمدن خروش‌چف در حزب کمونیست شوروی، کمیته مرکزی بجای درس گرفتن از شکست ۲۸ مرداد ۳۲ که جنبش با قهر ارتجاعی سرکوب شد راه مسالمت‌آمیز را بعنوان بخش جداناپذیری از خط مشی خود در آورده در مقابل، بنیان گذاران سازمان ما به طرد و انتقاد این خط مشی کمیته مرکزی پرداخته، اول در درون حزب و تدریجا در بیرون به افشای این نظرات انحرافی که با واقعیت جامعه و انقلاب ایران بهیچوجه تطابق نداشت، پرداختند. سپس شعار "انقلاب قهراً میزراهائی خلقهای ایران است" به شعار راستین سازمان ما تبدیل گردید و این پرچم از آن زمان تا بحال به دوش اعضای و کادرها و رهبری آن به جلو حمل شده است و بخاطر پیاده کردن در عمل سازمان انقلابی ما مبارزه‌ی پیگیری را دنبال نموده است. اهمیت این مطلب در اینست که سازمان انقلابی ما اولین سازمانی است که بطور آشکار در رابطه با قهر انقلابی چنین موضعی را اتخاذ میکند و برای پیاده کردن آن در سال ۱۳۴۴ وارد عمل میگردد.

مبارزه علیه دنیا له روی و وابستگی: کمیته مرکزی حزب توده با مغز خود نمی اندیشید و در نتیجه قادر به درک وضعیت اقتصادی، سیاسی ایران نشد. او هیچگاه به کنه این مطلب که تحلیل مشخص از اوضاع مشخص و تحلیل طبقاتی از اوضاع جامعه، اساسی ترین شیوه برای شناخت جامعه است پی نبرد و با نسخه برداری مسخ شده از تجارب دیگران، تلاش کرد الگوی انقلاب اکثر روسیه که یک کشور امپریالیستی بود را در ایران نیمه مستعمره، نیمه فئودال پیاده کند. پس از فرار رخا رچ و بنا هنده شدن بشوروی، سیاست دنیا له روی و وابستگی به حزب کمونیست و دولت شوروی را با شدت بیشتر ادامه داد. درست به همین خاطر در درون حزب مبارزه علیه دنیا له روی و وابستگی کمیته مرکزی و سخا طرا استقلال اندیشه و عدم وابستگی گسترش یافت و تدریجا به یک جریان مهم سیاسی تبدیل گردید. سازمان آ زمان تا بحال این پرمج را محکم در دست نگهداشته و هر روز آنرا برافراشته تر نموده است.

این سه زمینه مبارزه که اساسا مبارزه ای بودند علیه رویزیونیم معاصر که حزب کمونیست شوروی در مرکز آن قرار داشت، راه راستین سازمان انقلابی را در مبارزه علیه رژیم منغور پهلوی و امپریالیسم باز نمودند.

علیرغم شرایط خفقان و سرکوب که رژیم کودتا بوجود آورده بود رفقای ما بیهراس از سختیها و مرگ به داخل کشور با زگشتند و طبق شرایط در مبارزات مردم شرکت جستند. در این دوران سازمان مادر ارتباط با مبارزات و جنبشهای داخل کشور، کوشش نمود تا هسته های مقاومت را - گسترش دهد و از جرقه ها خرمنی از آتش برپا دارد. سازمان مادر جنبش مسلحانه ای جنوب (۴۵-۱۳۴۴) که توانست بمدت یکسال در برابر ارتش مزدور شاه به مبارزه خود ادامه دهد، شرکت جست. این جنبش با اینکه با شهادت انسان مبارز و استقلال خواه بهمن قشقایی موقتا فرونشست اما اثرات خود را در میان مردم سلحشور ایلات جنوب گذاشت. سازمان ما وفا - دار به راه قهرآمیز انقلابی، برای اولین بار بیش از ۱۳ سال پیش، درست مدتی کوتاه پس از قیام خونین ۱۵ خرداد و در ادامه ای آن، در جنبش جنوب شرکت میکند، شرکت سازمان مادر این جنبش مسلحانه دارای - اهمیت تاریخی و سیاسی میباشد. از یکسو برای مردم و همینطور رژیم شاه و امپریالیستها روشن میگرد که سازمان انقلابی ما با بریدن از حزب توده، راه نویسی

را در عمل در پیش گرفته است. از سوی دیگر سازمان ما با جمع بندی از این اولین عمل مسلحانه نوین که تبدیل بیک مبارزه‌ی مسلحانه‌ی سراسری و دائمی نمیگردد، بدین نتیجه میرسد که تدارک برای آغاز مبارزه‌ی مسلحانه‌ی توده‌ای که از پشتیبانی وسیع توده‌ها برخوردار باشد باید بطور همه جانبه تریس رود. از آنجا که دشمنان متعدّدند و بطور نسبی موقتا قوی، هنگامی میتوان دست به مبارزه‌ی مسلحانه زد که بمعنی واقعی کارگران و دهقانان خود در ارتکاب رسیاسی آگاهان دست به اسلحه ببرند. درست این تجربه و تجربه‌ی بعدی ما (شرکت در مبارزه‌ی مسلحانه‌ی کردستان) بود که سازمان ما را در صف مخالفان مبارزه‌ی مسلحانه‌ی جدا از توده‌ها که بنام مبارزات چریکی معروف شد قرار داد.

سازمان انقلابی ما بنا بر ماهیت مشی انقلابی اش، به مجرد با خبر شدن از مبارزه‌ی مسلحانه‌ی کردستان تحت رهبری کمیته انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران در سالهای ۴۷-۱۳۴۶، بد پشتیبانی از آن برخاست و کادرهایی از سازمان را بنا به دعوت کمیته انقلابی برای شرکت در این جنبش گسیل داشت. با سکت موقتی این جنبش، سازمان ما کوشید تا با تکیه به نیروهای انقلابی کردستان راه اسماعیل شریف زاده و ملا آواره و سلیمان معینی از رهبران برجسته‌ی کمیته‌ی انقلابی را ادامه دهد. پیوند یافتن سازمان ما با جنبش کردستان و ارتباط یافتن آن با انقلابیون کرد علاوه بر عمیق شدن در اهمیت مبارزه‌ی مسلحانه‌ی توده‌ای، مبارزه‌ی مسلحانه‌ای که حتما توده‌ها بطور فعال در آن شرکت جویند و از آن پشتیبانی نمایند، آموزش بسیار مهم دیگری راه برای سازمان بسازد. ارمان آورد. کادرهای بالای ما با بودن در میان ملت کرد درک خود را از مسئله‌ی ملی بالا بردند. سازمان ما از آن زمان نه تنها در حرف بلکه در عمل پرچمدار مبارزه بخاطر کسب حقوق ملی کلیه‌ی ملیتهای تحت ستم ایران بویژه خلق قهرمان کرد شد. شرکت سازمان ما در این مبارزه، یک پیوند تاریخی و ناگسستگی بین سازمان ما و انقلابیون کرد بوجود آورد که هر روز این پیوند فشرده تر و عمیق تر گردیده است.

در تمام این مدت پیوند سازمان انقلابی با زحمتکشان کلیه کشورهای جنوب و جنوب غربی آسیا و بدین خاطر چه در تجربه‌ی جنوب و چه در تجربه‌ی کردستان سازمان کوشید تا راههایی برای حل این مشکل پیدا نماید. اما آنچه که بیشتر ما را بحل مسئله نزدیک نمود، شرکت مستقیم

اعضاء و کادرهای مادر تولید، زندگی و مبارزه کردن همراه با توده‌های زحمتکش بود. پس از جمع‌بندی از شرکت درد و مبارزه‌ی مسلحانه و پس از - جمع‌بندی از علل شکست این دو مبارزه، سازمان ما بدرستی بدین نتیجه رسید که قبل از دست زدن به مبارزه‌ی مسلحانه‌ی دیگر با بدیایه‌ی توده‌ای در میان زحمتکشان بوجود آورد. این یک جمع‌بندی تاریخی بود که سازمان ما در آن زمان بدرستی روی آن با فشاری کرد. درست بهمین خاطر در آن شرایط سخت و خفقان، اعضای رهبری و کادرهای بالای خود را تربیت میکرد تا به میان زحمتکشان بیرون دو با آنها در تولید، در محیط کار، در زندگی و مبارزه پیوند یابند. این یک عمل جسورانه‌ی سازمان انقلابی محسوب میشود. قبل از این هیچ سازمانی بدین ترتیب عمل نکرده بود و سازمان انقلابی ما درست بنا بر ماهیت انقلابی خود در این امر پیش‌تاز بود. از همان رفقای رهبری و کادرهای ماکه درد و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی جنوب و کردستان شرکت کرده بودند راهی کار در میان کارگران شدند و برای سالیان دراز با صبر و حوصله‌ی انقلابی با سازمان پرداختند.

علاوه بر این سازمان انقلابی ما با توجه به اهمیت روشنفکران در یک کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال در خارج کشور، سازماندهی این لشکر بزرگ کمک دهنده به انقلاب شد. هزاران محصل و دانشجوی ایرانی را متشکل ساخت و با افکار انقلابی آموزش داد. سازمان ما در عین تاکید روی بازگشت به ایران و شرکت در مبارزه‌ی داخل کشور در پیوند با زحمتکشان و درست بخاطر پیاده کردن این سیاست، بکار در میان روشنفکران پرداخت. امروز که ما شاهد پیروزی بزرگ خلق هستیم بهیچوجه نباید نقش پشت جبهه‌ی انقلاب، بویژه نقش دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج کشور را در روشن داشتن شعله‌ی مبارزه و افشای رژیم شاه در میان افکار عمومی جهان، فراموش کنیم. بازگو کردن فعالیت‌های سازمان نباید چنین تصویری را بوجود آورد که ما به خود ستائی دست زده‌ایم. همانطور که در بالا گفتیم مردم ما از جوانب بسیاری از فعالیت‌های ما بی‌خبرند، در نتیجه مجبوریم خلاصه‌ای از فعالیت‌های خود را عرضه داریم تا مردم خود به قضاوت نشینند. بنا بر - این در زیر مختصراً به جوانبی دیگر از فعالیت‌های سازمان اشاره میکنیم:

\* حل صحیح مناسبات خود با مبارزین ملی و اسلامی؛ همانطور که در بالا اشاره شد، در جریان مبارزه‌ی درونی علیه کمیته مرکزی حزب توده و رفقای بنیانگذار سازمان به طرد و انتقاد سیاست دنباله روی آن پرداختند

و روی سیاست با مغز خود اندیشیدن، انکاء بدنبروی خود، عدم وابستگی و داشتن ابتکار در دست پافشاری نمودند. بخصوص این مسئله بهنگام موضع گیری مسکود در رابطه با قیام ملی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به نقطه‌ی عطفی رسید. رویزیونیستهای شوروی بنا بر ما هیتشان و بخاطر پشتیبانی از رژیم — مسفورپهلوی قیام ملی ۱۵ خرداد ۴۲ را "ارتجاع سیاه" خوانده و آنرا محکوم نمودند. رفقای ما که بعضی ها خود در جریان این قیام شرکت داشتند و از نزدیک شاهد مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی توده‌های مردم زحمتکش علیه رژیم شاه بودند قاطعانه علیه رویزیونیستهای شوروی ایستادند. کمیته مرکزی حزب توده راکه به دنباله‌روی از مسکو موضع ضد ایمن جنبش را گرفته بود محکوم نمودند. این موضع گیری مسکو و مبارزه‌ی ما علیه آن نقطه عطفی در بریدن از حزب توده بود. این حرکت دارای — اهمیت تاریخی است، زیرا مناسبات بعدی سازمان ما را با جنبش ملی اسلامی معین میکند.

سازمان انقلابی با اتخاذ موضع اندیشیدن با مغز خود، و با آموختن از معلم منفی یعنی کمیته مرکزی حزب توده که دنباله روی راتایسه امروز ادامه میدهد با تاکید بیشتر و بیشتر روی تلفیق اصول مارکسیسم به شرایط ایران قادر شد از جمله به این واقعیت که ایران کشوریست اسلامی و اسلام مبارز یکی از بانفوذترین و تاثیرگذارنده ترین نیروهای سیاسی در تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی بوده است دست یابده. این امر خود کمک کرد تا تدریجا مواضع گروهی گرائی و فرصت — طلبانه‌ی کمیته مرکزی حزب توده در برخورد به مبارزات و جنبشهای ملی و اسلامی طرد و انتقاد گردد.

سازمان انقلابی ما بعنوان اولین و تنها سازمانی است که از موضع طبقه‌ی کارگر به اهمیت جنبش اسلامی بدرهبری امام خمینی از همان آغاز پی برده و طی سالها نمتدادی هنگامیکه هوزبه عظمت و وسعت سالهای اخیر نبود، از آن دفاع نموده با آن همراه و هم‌دوش بوده است. درست بخاطر این مبارزه‌ی طولانی و این نوسازی عمیق است که امروز ما هم — راه میلیونها ایرانی میهن دوست، پیروزی انقلاب کنونی را به رهبری امام خمینی، پیروزی خود میدانیم و قاطعانه از رهبری امام خمینی و از خواست او که کمونیستها هم باید به جمهوری اسلامی رای دهند، پشتیبانی میکنیم.

\* مناسبات ما با نیروهای بین‌المللی پشتیبان انقلاب ایران: سازمان ما بنا بر ماهیت طبقاتی‌اش، طرفدار همبستگی و وحدت زحمتکشان کلیه کشورهای، خلقها و ملل ستم‌دیده‌ی جهان می‌باشد و از همان آغاز زندگی‌اش بطور اصولی از این وظیفه‌ی انقلابی پیروی نموده و تا به امروز مصرا نه آنرا ادامه داده‌است. درست بعلاّت انحراف کمیته مرکزی حزب توده در دنباله روی از احزاب دیگر و وابستگی به شوروی، سازمان ما روی سیاست اتکاء به نیروی خود، عدم وابستگی و داشتن ابتکار در دست‌یافتاری نمود. سازمان انقلابی ما از همان آغاز با درک پیوند فشرده‌ی انقلاب ایران با انقلاب کشورهای خاورمیانه و مبارزات آنها روی همکاری و پشتیبانی متقابل بین انقلابیون منطقه یافشاری کرد. نتیجه‌ی این سیاست سهم خود به پیوندگونی انقلابیون منطقه کمک نموده‌است. خون رفیق بشیر خسروی را که در کردستان عراق بدست دشمنان خلق کرد عراق بشهادت رسید، رفیقی که دوست نزدیک خلسق فلسطین بود مدتی همراه آنها به مبارزه‌ی رودرروئی با صهیونیستها پرداخته بود، رشته‌ی این پیوند را گلگون نموده‌است. سازمان انقلابی ما امروز در جهان بویژه در منطقه دارای دوستان و وفاداری است که در هنگام سختیها در پشتیبانی و کمک به انقلاب ایران، آزمایش خود را پس داده‌اند.

\* خط مشی توده‌ای و اجرای مرکزیت دمکراتیک: سازمان انقلابی ما در ترد و انتقاد سکتاریسم کمیته مرکزی حزب توده به اهمیت خط مشی توده‌ای و اجرای مرکزیت دمکراتیک بیشتر پی برد. خط مشی توده‌ای، امروز جزئی از جهان بینی سازمان ما محسوب میشود. سازمان ما در جریان عمل دریافت که تنها موضع‌گیری در رابطه با اینکه توده‌ها قهرمانان واقعی و دانا و توانا هستند، کافی نیست باید از این موضع‌گیری نتیجه‌های عملی بدست داد. بدین خاطر سازمان ما خط مشی توده‌ای را بمعنی تکیه کردن به توده‌ها برای انجام کارها و شکوفای ساختن قدرت آنها، بعنوان اصل اساسی روش کار خود قرارداد. اجرای صحیح مرکزیت دمکراتیک هم خودنمایی از این اصل است و برای سازمان ما غرور آمیز است که در بدترین شرایط خفقان توانسته با توجه به شرایط، بسد خاطر اجرای مرکزیت دمکراتیک حوزه‌های حزبی رازنده نگهدارد و روی تصمیمات جمعی در ارگانهای بالا یافشاری کننده شاید بتوان گفت امر

موفقیت سازمان ما در اینکه توانسته راه طولانی و سختی را در شرایط بسیار نامساعدی طی نماید علاوه بر ایدئولوژی و سیاستش، اجرای همین خط مشی توده‌ای و اصل مرکزیت دمکراتیک بوده است. شادابی سازمان انقلابی ما اساساً ناشی از این شیوهی کار اصولی آنست.

\* مبارزه علیه رویزیونیسم شوروی: سازمان انقلابی ما در این مورد در جنبش انقلابی کشورمان پیشتاز بوده است. اولین سازمانی است که به خیاست رهبران کرملین نشین رویزیونیست شوروی پی برد. قاطعانه و بطور آشکار دست به افشای آن زد و بیش از ۱۲ سال پیش شعار مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا جدا از مبارزه علیه رویزیونیسم شوروی نیست را مطرح کرد. سازمان ما در این سالهای طولانی هیچگاه وظیفه‌ی انقلابی افشای تزارهای نوین را از یاد نبرده است. هنگامیکه در سال ۱۳۴۷ نیروهای تاج و زگر شوروی به چکسلواکی حمله کردند و آنرا به اشغال خود درآورد، سازمان ما ضمن محکوم کردن این تجاوز و وحشیانه فاشیستی به مردم ایران اعلام کرد شوروی دیگر نه تنها کشوری سوسیالیستی نبوده بلکه بیک کشور بزرگ امپریالیستی که میخواهد جای آمریکا را در جهان بگیرد تبدیل گردیده است. در طول این سالها سازمان ما بطور مستمر خطرا امپریالیسم شوروی را برای انقلاب ایران بازگو کرده و امروز با سر بلندی از این مبارزه پیروز مند بیرون آمده است. شعار نه آمریکا، نه روسیه ایرانی مستقل و متکی بخود، بیک شعار عموم خلقی تبدیل شده است.

در آذربایجان گفت ما راه طولانی‌ای را طی کرده ایم، فرازونشیبهای فراوانی را پشت سر داریم. میبایستی برای تسخیر هر سنگر جنگیم و چه بسا چند بار سنگر را از دست دهیم. ما کارها را در آن شرایط سخت مجبور بودیم چند بار از نو شروع کنیم. جنگیدن با دشمنان موقتا قدرتمندی چون امپریالیسم آمریکا و رژیم منفور پهلوی، با دستگاه خونخوار ساواک او، جنگیدن با امپریالیسم روس و عمال آن، هنگامیکه توازن قوا بسود دشمنان است کار بسیار مشکلی است. اما سازمان کوچک ما با نیروی بسیار کمش دارای اراده‌ای شکست ناپذیر بود. سازمان ما قاطعانه هرگونه تسلیم طلبی را طرد کرد و رفقای انقلابی ما در سخت‌ترین شرایط مقاومت نمودند و دارای چنین روحیه‌ای بودند که حتی اگر روزی یک نفر از آنها هم باقی میماند مبارزه را ادامه دهد. مبارزه با دشمن تنها به مبارزات

رودرروئی محدود نمیشد. رژیم شاه و فرصت طلبان کمیته مرکزی به اشکال گوناگون تلاش میکردند تا جاسوسان خود را به درون سازمان مآوا رانند. دارنده تفرقه و انشعاب بوجود آوردند. نمونه‌ی برجسته در این مورد که برای کل جنبش از جمله سازمان‌های گران تمام شدقیسه‌ی سیروس نهادی این خائن و جاسوس بزرگ ساواک است. او بر اثر عدم هوشیاری رفقای ما نتوانست با سازمان ما پس از فرار ساختگی خود بعنوان رهبر "سازمان آزادیبخش خلقهای ایران" ارتباط برقرار کند و اعتماد رفقای مسئول ما را جلب نماید. او نتوانست ضربه‌ی سنگینی به سازمان ما و سایر سازمانهای سیاسی دیگر که در ارتباط با او قرار گرفته بودند، وارد آورد. شهادت ۶ تن از اعضای رهبری و کادرهای بالای سازمان ما بر اثر فعالیت‌های جنایتکارانه‌ی او صورت گرفت و از آنجا که در موقعیت حساس سیاسی از رشد جنبش و زندگی سازمان ما بود، خسارات جبران ناپذیری را برای ما بار آورد. علاوه بر این او باعث دستگیری عده‌ای دیگر از رفقای ما شد که این بنویسه‌ی خود ضرر آور بود. اما سازمان ما تابودند، رفقای دیگر غم شهادت رفقا را به نیرو تبدیل نمودند و مبارزه را ادامه دادند.

در ایران، کادرها و اعضای سازمان انقلابی مادر زندانها و زیر شکنجه‌ها مقاومت کردند و پرچم سازمان را هیچگاه بر زمین نگذاشتند. رفقای از ما چون آذر هوشنگ توکلی و بهرام مام دزفدر حین انجام وظیفه‌ی سازمانی جان خود را فدا کردند. خون شهدای دیگر ما همچون پرویز واعظ زاده مرجانی، خسرو صفائی، شکوه طوافچیان، وفا جاسمی، گرسویز برومند، محمدتقی سلیمانی و لوانسانی و بشیر خسروی راه ما را گلگون ساخته‌اند.

ما امید بر آن داریم و مصممیم که همراه مردم زحمتکش، قهرمان و انقلابی خود با حفظ سنن خوب ملی و اسلامی به ادامه‌ی انقلاب بپردازیم و طبق شرایط ویژه تاریخی کشور خود ایرانی آباد، آزاد و مستقل که در آن نه‌جائی برای امپریالیسم و سرمایه داری و نه‌جائی برای استثمار انسان از انسان باشد، بوجود آوریم! ما ما آگاهیم، دشمنان فراوانند و منافع آنها چنان کورشان کرده که نمی‌گذارند مردم ما به آسانی و در مدتی کوتاه به این هدفهای عالی و غائی خود برسند. هنوز استقلال کامل مادر کلیه‌ی زمینه‌ها دست نیامده است، هنوز مبارزه‌ای سخت و طولانی

لازم است تا نفوذ کامل امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم روس و صهیونیسم در کشور ما قطع شود. بدون سرانجام رساندن چنین کاری بدون برداشتن چنین قدمی، رسیدن به هدفهای بعدی امکان پذیر نیست. درست بهمین خاطر ما در برنامه‌ی حداقل خود هنوز سرانجام رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک را قرار داده‌ایم و معتقدیم کلیه نیروهای میهن دوست و استقلال خواه باید با هم متحد شده و با تحکیم دستاوردهای انقلاب کنونی از طریق استقرار جمهوری اسلامی تحت رهبری امام خمینی گامی دیگر در این راه بجلو بردارند.

ما هم خطر بازگشت امپریالیسم آمریکا را احساس میکنیم و هم خطر آمدن امپریالیسم روس و اعمال آنها را. در نتیجه مبارزه‌ی قاطع و همه جانبه را علیه آنها بعنوان وظیفه‌ی تخطی ناپذیر و عمده‌ی کلیه نیروهای انقلابی و استقلال خواه میدانیم.

انقلاب پیروزمند ما با موفقیت‌های رادیکال و انقلابیون ایران باز نموده است. آزمایشی است برای کلیه طبقات و اقشار خلقی، برای کلیه ملیتهای مختلف ایران، برای کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی. ما نباید تجارب گذشته را فراموش کنیم. وحدت ما ضامن پیروزی ما خواهد بود. اوضاع کنونی انقلاب ایران از کلیه نیروهای خلقی و میهنی طلب میکند تا زیر پرچم مبارزه‌ی قاطع و همه جانبه علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت متحد شوند و انقلاب را تا به آخر ادامه دهند.

سازمان انقلابی ما با خوشبینی انقلابی به پیشواز پیروزیهای باز هم بیشتر مردم و خلقهای مختلف ایران می‌رود و با طر گسترش و تحکیم وحدت خلق برای ایجاد حزب سیاسی طبقه‌ی کارگر بعنوان وظیفه‌ی مرکزی خود مبارزه میکند. جهان بینی سازمان ما، مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما، توسعه دون بما حکم میکند که به توده‌ها اعتماد کنیم، با آنها پیوند فشرده برقرار سازیم و به آنها تکیه نمائیم. آینده از آن آنهاست و آینده‌ایست تا بنساک.

## انقلاب کنونی

حرکت بیروزمند انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک در ایران تا بحال مجبور شده است راه طولانی و پر پیچ و خمی را طی کند ، از مراحل مختلفی بگذرد و در هر مرحله با وظایف مشخص و متفاوتی روبرو گردد . رژیم منفور پهلوی که مظهر دشمنان قسم خورده‌ی ما یعنی امپریالیسم ، سرمایه داری وابسته (دولتی و خصوصی کمپرا - دوری) و بقایای فئودالیسم بود ، همچون یوغی گران بر گرده‌ی خلقها میهن ما سنگینی میکرد . رژیم شاه طی مدتی نسبتاً " طولانی بسا اعمال سیاست ترور و اختناق ، با تبلیغات دروغن و فاشیستی شاهنشاهی و با دست زدن به پاره‌ای اصلاحات نیم بند توانست سلطه‌ی خود را بسود این دشمنان خلق ، حفظ نماید . البته رژیم شاه از لحاظ وابستگی به امپریالیستهای مختلف عمدتاً " به امپریالیسم آمریکا متکی بود و بهمین خاطر هم در تضادهائی با امپریالیسم روس قرار داشت . انقلاب ، رژیم شاه را سرنگون کرد و بهمراه آن به نظام ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی نیز نقطه‌ی پایانی گذاشت .

### محتوا و خصوصیات انقلاب کنونی در چیست؟

انقلاب کنونی ایران از آنجا که یکی از پایگاههای مهم امپریالیستی یعنی رژیم شاه را بر انداخت ، دارای اهمیت بزرگی است و بسا تردید در اوضاع کشور ما ، خاورمیانه و حتی جهان تاثیرات مهمی بجای خواهد گذاشت . از دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی این انقلابی است سیاسی با محتوای ضد امپریالیستی و دمکراتیک که طبقه‌ی کارگر در آن نقش رهبری کننده را بعهده نداشت .

با تعریف بالا به تنهایی نمیتوان درک همه جانبه و نسبتاً صحیحی از این انقلاب بدست آورد . ضروریست روی خصوصیات آن تاء مل نمشود و بطور مشخص آنها را مورد مذاقه قرار داد . ما در زیر چند خصوصیت اساسی آنرا یک بیک بر می‌شمریم :

اولین خصوصیت این انقلاب توده‌ای بودن آنست . این انقلاب از پشتیبانی وسیع‌ترین توده‌های مردم ما برخوردار بود . بدون شرکت فعال و وسیع کارگران و زحمتکشان شهری که صفوف میلیونی آنرا تشکیل دادند این انقلاب به پیروزی نمی‌رسید . با اینکه دهقانان از همان آغاز بطور وسیع در این انقلاب شرکت نجستند ولی بر اثر اوجگیری مبارزات توده‌ای در شهرها و ارتباط میان زحمتکشان شهرو روستا ، در ماههای آخر قبل از پیروزی انقلاب ، حرکت دهقانان و زحمتکشان روستا برای شرکت در انقلاب شتاب تازه‌ای گرفته بود . بدین ترتیب به درستی باید گفت این انقلاب با شرکت و پشتیبانی توده‌های وسیع مردم ما صورت گرفت و در تاریخ کشور ما بی‌سابقه بوده است ، این خصوصیت انقلاب دارای اهمیت بزرگی است که بدون درک صحیح آن ، درک کل انقلاب عملاً میسر نیست .

در رابطه با خصوصیات توده‌ای این انقلاب علاوه بر شرکت وسیع زحمتکشان باید روی دو جنبه‌ی دیگر تاءکید کرد . جنبه‌ی اول شرکت وسیع زنان و جنبه‌ی دوم شرکت وسیع جوانان و نوجوانان و حتی کودکان در این انقلاب میباشد . زنان بویژه زنان زحمتکش میهن ما بطور وسیع در این انقلاب شرکت جستند . عظمت جنبش انقلابی زنان ما در این یکسال گذشته چنان است که به جرات میتوان گفت تاریخ جنبشهای توده‌ای و انقلابات بزرگ بویژه در کشورهای اسلامی هیچگاه اینگونه شرکت فعال و وسیع توده‌های زن را بخود ندیده است . به درستی میتوان گفت بدون شرکت زنان ، انقلاب دارای خصوصیت توده‌ای نمیتوانست باشد و با شرکت آنهاست که انقلاب چنین سیمای توده‌ای میلیونی را بخود میگردد .

جوانان بحق همیشه پیشتاز بودند و نقش درجه اولی را در حرکت بزرگ خلق بخلو ایفا کردند . شرکت فعال آنها در این انقلاب با توجه به جمعیت آنان که بزرگترین بخش در کل جمعیت ایران کنونی را تشکیل میدهد ، تاءثیر دیرپائی در جامعه‌ی آینده کشور ما بجا خواهد گذارد .

دومین خصوصیت انقلاب وجود یک رهبری صادق، قاطع و مصمم و از همه مهمتر ضد امپریالیست و استقلال خواه همچون امام خمینی در اواسط آن می باشد. حرکت های قاطع سیاسی او گاهی اوقات تمام نمایندگان سنتی بورژوازی ملی را به تعجب و امیداشت با برخوردی تاریخی می بینیم که در قرن اخیر جنبش های ضد امپریالیستی میهن ما چنین رهبر مستقل و قاطعی را به ندرت بخود دیده است. خصوصیات و طرز زندگی و مبارزات امام خمینی او را از هر رهبر دیگر به توده ها نزدیکتر کرده است.

امام خمینی با الهام از خواست مردم، با الهام از قدرت لایزال آنها، با الهام از رشادت و از خود گذشتگی آنها، با الهام از روحیه استقلال خواهی و اتکاء به نفس بزرگ مردم سخنانی گفت و مواضعی گرفت که محدودی افکار بورژوازی متزلزل ملی برای طرح آنها بسیار کوچک بود. او بسیاری از اوقات برای خواست بورژوازی ملی حرف زد و عمل نمود. بدین خاطر هم مورد پشتیبانی قاطع و همه جانبه توده های وسیع مردم قرار گرفت. باید نقش امام خمینی را بدرستی فهمید و تاءثیر گذاری او را در تکامل آینده انقلاب ایران کاملاً بحساب آورد.

سومین خصوصیت انقلاب، مستقل و متکی بخود بودن آنست. این انقلاب رژیم منکور وابسته به امپریالیسم را سرنگون کرد، بدون اینکه بر یکا امپریالیسم دیگری تکیه نماید. دو ابر قدرت امپریالیستی یعنی آمریکا و روس، در مقابل این انقلاب از رژیم شاه تا آخرین روزهای حیات او پشتیبانی کردند. این امر خود اصلت انقلاب سیاسی کشور ما را نشان میدهد که چگونه مردم مصممی بپامیخیزند و بی هراس از سختیها و مرگ با دست خالی، علیه جریان فرعون و طاغوتی حاکم بپا خاسته، مبارزه کرده و بالاخره به پیروزی میرسند. درک این خصلت و ویژگی مستقل بودن انقلاب سیاسی ما مهم است. ما امروز با انقلابی پیروزمند روبه رو هستیم که موضع قاطع در برابر دو ابر قدرت امپریالیستی داشته و رهبر آن امام خمینی پس از پیروزی انقلاب در سخنانی هسای

مختلف موکداً این مسئله را یادآور شده است. هوشیاری این انقلاب و رهبر آن بحدی است که پس از پیروزی با تمام قدرت در برابر حرکت خائنانه عمال روس و دارودسته کمیته مرکزی حزب توده وابسته به شوروی که تلاش میکنند انقلاب اصیل ایران را بسوی ابر قدرت امپریالیستی دیگر متمایل سازند، ایستاد. ما از هم اکنون باید به استقبال اوج گیری روحیه انقلابی استقلال طلبانه توده های وسیع مردم برویم و از این طریق توطئه های امپریالیستی رادار هم شکنیم. بیشک با موضع گیری های اخیر امام خمینی، شعار نه آمریکا، نه روسیه هر روز عمیق تر و همه جانبه تر در قلب مردم ما ریشه می دواند. چنین است اهمیت سیاسی این انقلاب مستقل ایران که تاءثیرات آن بسیار خواهد بود و شتابی کاملاً نوسین به مبارزات، جنبشها و انقلابات استقلال طلبانه ای مردم جهان، بویژه خاورمیانه و کشورهای اسلامی خواهد داد.

باید یاد آور شد که پیروزی انقلاب ما بدون تکیه به هیچ قدرت خارجی و با پرچم استقلال کامل از قدرتهای بزرگ حتی در مخالفت با آنها، بطور روشن این سفسطه ای عمال روس و دارودسته حزب توده وابسته بشوروی را که حتی بدون انکاء به روسیه و بدون همکاری با عمال آنها هیچ جنبشی در ایران نمیتواند توده ای شود، چه رسد به اینکه به پیروزی رسد، برملا ساخت. در عین حال نشان داد که اوضاع بین المللی برای روی کار آمدن حکومت های استقلال خواه و متکی بخود مساعد است و چنانچه رهبران انقلابی، خواست توده ها را دریابند و در مبارزه به آنها تکیه کنند، امکان پیروزی موجود است.

باید گفت تاءکید روی جنبه ای قدرت استقلال طلبانه ای این انقلاب بمعنی آن نیست که خطر از طرف دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روس برای وابسته کردن آن موجود نیست. اما شرایط برای تعمیق و حفظ استقلال سیاسی مساعد است. با اتحاد بزرگ خلق و تاءکید مجدد رهبری انقلاب بر روی ادامه ای انقلاب بامشی استقلال کامل از قدرتهای استعمارگر، ادامه ای سیاست مستقل فراهم شده است. آنچه مهم است بالا بردن درک توده های وسیع و در این رابطه تبلیغ روحیه ای انکاء به نفس و مبارزه ای قاطع علیه هر گونه بیگانه

پرستی و روحیه وابستگی به امپریالیسم بویژه آمریکا و روس مییابد .

چهارمین خصوصیت انقلاب ، اسلامی بودن آنست . مذهب اسلام بویژه شیعه در میان مردم برای مدت طولانی دارای نفوذ بوده است . ازدیگر باز رهبران روحانی به دودسته تقسیم شده اند . " روحانیون " که اسلام را بکار میبردند تا جنایات و خیانت های حاکمین جبار را - توجیه نموده و سلطه ی آنها را بر توده های مردم ابدی سازند . و - روحانیونی که با درک مشکلات و نیازمندی های واقعی مردم ، پرچم اسلام را برافراشته ساخته ، تالیه مستمگران و استثمارگران مردم را به مبارزه کشانند . در تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی ما از دیر زمان اسلام مبارز نقش موثری داشته است ؛ در جنبش علیه تجاوز و - اشغال بخشهایی از ایران توسط ارتش متجاوز ترارهای روس ، در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار که از جمله منجر به قتل گریبایدوف وزیر مختار روس در ایران شد ، در جنبش پیروزمند تنباکو ، در انقلاب مشروطیت در قیام جنگل ، در جنبش شیخ محمد خیابانی ، در حرکت های ضد رضا شاه ، در جنبش دمکراتیک کردستان به رهبری قاضی محمد ، در جنبش ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران ، در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ . انقلاب کنونی ایران بمعنای واقعی تحت رهبری آن دسته از روحانیونی بود که سر تعظیم در برابر حاکمین فرود نیآوردند ، در برابر ظلم و ستم آنها ایستادند و بخاطر سرکونی آنها خط مشی توده ای را در پیش گرفته و با کار طولانی و با حوصله ، قدم بقدم آگاهی توده ها را نسبت به حاکمین و استثمارگران بالابردند . امروز ما با رهبری اسلامی استقلال خواهی روبرو هستیم که در طرف خلق ایستاده و بهمان گونه که با استعمار و امپریالیسم مبارزه کرده با روحانیون وابسته به آنها هم به مبارزه برخاسته است .

در سال های اخیر با کار دائمی بخش مبارز روحانیون بویژه طلبه ها که از امام خمینی طرفداری میکردند و متفکرین اسلامی ، تدریجا برنامه سیاسی اسلام مبارز باز هم بیشتر به میان توده ها برده شد . مرتجعین و از جمله دارودسته شاه تلاش کردند از ایمان مردم

به اسلام سوه استفاده نمایند . شاه دسته ی روحانی نماه‌های طرفدار رژیم را براه انداخت ، قرآن زر کوب‌ویژه چاپ کرد ، بودجه ای برای برگزاری جلسات روضه‌خوانی اختصاص داد و هزاران عوامفریبی دیگر کرد ، اما مؤثر نیفتاد . چون او تلاش میکرد از اسلام حربهای برای سرکوب خواستهای واقعی توده‌های مردم بسازد .

اسلام خمینی ، اسلام حسینی بود همراه و همسو با خواست واقعی مردم و بهمین خاطر بسرعت نفوذ آن در میان آنان توسعه یافت و موجهای عظیمی از گرایش به اسلام مبارز در میان جوانان بوجود آمد . تمایز نگذاشتن بین اسلام مبارز کنونی و آنچه که روحانی نماهای مرتجع و طرفدار رژیم شاه میگفتند کاملاً نادرست است . اسلام مبارز کنونی میلیونها مردم ما را به مبارزه سیاسی کشاند و آنها را زیر یک پرچم متحد نمود و نیروی عظیمی را به حرکت در آورد که به بزرگترین قدرتهای حاکم و امپریالیسم آمریکا ضربه‌ی مهلکی وارد ساخت . مارکسیستهای مادی باید اهمیت و نقش این اسلام مبارز را درک کنند . برای مدت طولانی ، این اسلام مبارز با سنن تاریخی خود در کشور ما در محتوی و شکل مبارزات طبقاتی کشور ما تا شیر مهمی خواهد گذاشت . تمام مارکسیست - لنینیست‌ها مجبورند دیر یا زود اهمیت آنرا درک نموده و طبق شرایط مشخص جامعه‌ی ما و جنبشهای سیاسی آن ، سیاستها و رهنمودهای صحیحی را اتخاذ نمایند .

بی توجهی به عوامل ذهنی ، به سنن تاریخی و سازمانهای سنتی در جامعه ما و در این رابطه عدم درک همه جانبه نقش اسلام در زندگی مردم بویژه زحمتکشان میتواند ، جنبش مارکسیستی - لنینیستی را کاملاً منفرد ساخته بخشهایی از طبقه کارگر را به انحراف کشانده و از جنبش بزرگ توده‌ای جدا سازد . مارکسیسم - لنینیسم بر آنست که باید از سطح توده‌ها ، از شیوه‌ها و اشکال مبارزه مردم حرکت کرد . تنها از این طریق است که میتوان توده‌ها را هر چه سریعتر به مبارزه کشید و متشکل نمود . از آنجا که مردم ، به

زبان ، فرهنگ اسلامی ، شیوه‌ها و اشکال مبارزه آن آشنا بودند ، این امر توانست کمک کند که توده‌ها بسرعت عقاید ضد امپریالیستی ضد استبدادی بگیرند و روحیه اتکاء به نفس را در خود رشد داده و زنده نمایند . زیرا آنها الگوئی بیگانه برای توده‌ها نبودند و زمینه‌ی فکری قبلی وجود داشت و هنگامی که اسلام مبارز جوانان را به پایداری و از خود گذشتگی دعوت میکرد کافی بود تنها اشاره‌ای بنام قهرمانان خود نماید و این برای توده‌های وسیع مردم به آسانی قابل درک بود .

بسرعت مساجد به محلهای مشورت و سازماندهی تبدیل شد و جریان عمده‌ی کار سیاسی را شکل داد . بعضی‌ها ممکن است بگویند رژیم به مساجد کاری نداشت . این امر واقعیت ندارد . آنچه به زنده ماندن و رشد فعالیت در مساجد و معابر اسلامی کمک کرد این بود که میلیونها نفر از مردم به مساجد میرفتند و تدریجا " بیشتر و بیشتر به گرد منبرها جمع شدند و درست مسئله بر سر اینست که با اینکه نیروهای انقلابی دیگر هم شعارهای راستین مردم را مطرح نمودند ولی در آخر ، این اسلام مبارز بود که گسترش یافت و جریان بزرگ و عظیم و سد ناپذیر توده ای را برای سرنگونی رژیم شاه رهبری نمود .

نکته دیگر در رابطه با اسلامی بودن این جنبش ، خصلت بین‌المللی دادن به آن است . انقلاب اسلامی کنونی اعلام میکند ما با تمام کشورهای اسلامی برادریم ، اسلام باید در همه جا اسلام مبارز باشد ، باید استقلال خواه باشد ، باید علیه استعمارگران و حکومت های طرفدار آنها به مبارزه برخیزد و به این دوران طولانی حاکمیت استعمارگران بر مردم خاتمه داده شود . از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اسلامی به اشکال گوناگون تحت سلطه‌ی امپریالیسم و رژیمهای وابسته و مستبد هستند و جنبش ما هم دارای گذشته مشترک با آنها بوده و خصلت کنونی آن استقلال خواهی ، آزادی طلبی و انقلابی میباشد ، جزئی از جنبش استقلال

طلبانه و ضد امپریالیستی خلفهای کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است و مبارزه مشترک آنها کاملاً به سود مبارزه علیه دو ابر قدرت و انقلاب جهانی می باشد .

با دیدن جنبه مثبت اسلامی بودن انقلاب ما، حالا باید روشن باشد حرکت اسلام زدائی عمال روس و کمه مرکزی حزب توده وابسته به شوروی و جدا کردن جنبش به "اسلامی" و "دمکراتیک" یا "مترقی" یا حتی "ملی" نادرست می باشد . هدف آنها چیزی جز از بین بردن شعار "وحدت کلمه" نبوده و قصد دارند با ایجاد تفرقه در صفوف خلق از پیشروی انقلاب جلوگیری کنند . بهمین دلیل طبقه کارگر باید با قاطعیت از اسلامی بودن جنبش دفاع نموده و از هرگونه حرکتی که بخواهد اسلام مبارز کنونی را با اسلام روحانی نماهای مرتجع یکی بشمرد یا آنرا بهر شکل در برابر جنبش دمکراتیک ، جنبش ملی و یا مترقی قرار دهد مخالفت ورزیده در میان مردمی که در این مورد ناآگاهند به کار توضیحی دقیق بپردازد .

در آخر باید تاءکید کرد که اسلام مبارز برهبری امام خمینی مطمئناً همانند گذشته با فشاری روی "وحدت کلمه" تمام طبقات و اقشار مردم انقلاب را در ادامه مبارزه متحداً به پیش خواهد برد . همانطور که در گذشته دیده شد در جریان ادامه انقلاب حتماً "روحانی نماهای پیدا خواهند شد که بخاطر منافع فردی ، خانوادگی یا قشری خود ، منافع کل جنبش ، طبقات و اقشار انقلابی را زیر پا گذارده و با برخوردی سکتاریستی به تفرقه افکنی خواهند پرداخت .

این انقلاب همانطور که امام خمینی گفته است ، مال پابرهنگان بوده و با خون آنها و مبارزه آنها پیروز شده است . مال هیچ فرد و شخص و دسته ای نیست . آینده اش دقیقاً "هنگامی مطمئن میشود که خصوصیات خلقی ، مردمی و وحدت طلبانه خود را حفظ نماید .

سازمان انقلابی درست بخاطر درک منافع توده‌ها و اینکه بیس‌ن اسلام مبارز به رهبری خمینی و توده‌ها پیوندی تاریخی بوجود آمده بود، از همان آغاز به دفاع از این جنبش و رهبری اش پرداخت و امروز این کار را ادامه میدهد. ما بعنوان یک نیروی مارکسیستی - لنینیستی و انقلابی بین خود و این انقلاب بزرگ اسلامی نه تنها تضادی خصمانه نمی بینیم بلکه خود را جزئی جداناپذیر از آن دانسته و بخاطر استحکام و وحدت آن کسار میکنیم.

### آیا این انقلاب تضادهای اساسی جامعه ما را حل کرده است؟

از آنجا که ما به تئوری انقلاب مستمر و درعین حال مرحله به مرحله معتقدیم، باید بگوئیم که این انقلاب تغییرات بزرگی بوجود آورده ولی هنوز تضادهای اساسی جامعه حل نشده‌اند و هنوز مبارزه بخاطر پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک باید ادامه یابد.

انقلاب سیاسی پیروزمند ما شرایط را برای حل این تضادهای اساسی فراهم نموده است. انقلاب به امپریالیستها و ماحبان سرمایه‌های وابسته ضربه‌های مهلکی زده، قدرت سیاسی آنها را که رژیم شاه در رأس آن قرارداداشت به فلاکت کشاند. ستادفرماندهی ارتش بر قدرت ستمگران و استعمارگران را تارومار نمود و شیرازه‌ی اعمال قدرت و انضباط کورکورانه آنها پاره کرد.

اما با تاءکید روی این نکات مثبت و پیروزی‌های انقلاب، چنانچه جوانب ضعف و مشکلات دیگر گفته نشود احتمال یکجانبه گری زیاد میشود. گفتیم این انقلاب با تمام عظمتش گام اولی است، این بدان معناست که گامهای دیگری هم باید برداشت و این گامها چیزی جز حرکت بسوی پاک کردن نفوذ کامل امپریالیسم بهر شکل و بهر لباس حرکت بسوی نابودی سرمایه‌داری وابسته و حرکت درجهت دمکراتیزه کردن جامعه و شرکت هرچه وسیع‌تر توده‌ها در کارها نمیشد.

امپریالیسم متفوق آمریکا در کشور ما ، برای سالهای طولانی به اشکال مختلف در زمینه های مختلف سیاسی نظامی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نفوذ کرده است. پاک کردن نفوذ کامل آن در کلیه زمینه ها احتیاج به مبارزه ای دقیق و همه جانبه و در مدتی نسبتاً طولانی دارد. بخصوص اینکه بازماندگان رژیم سابق که انقلاب منافع آنها را کاملاً به خطر انداخته است ، با توجه به روابط اجتماعی و قدرت اقتصادی نسبتاً " قوی خود ، هنوز کاملاً امید خود را برای بازگشت به صحنه سیاسی از دست نداده اند و در این راه تلاش خواهند کرد. علاوه بر این عمال روس و حزب توده وابسته به شوروی با سواستفاده از سنن انقلابی کشور شوراها در زیر نقاب سوسیالیسم به کار تفرقه و اغتشاش در جنبش مشغولند ، در عین مخالفت با امپریالیسم آمریکا عملاً " حرکت بسوی امپریالیسم روس را تبلیغ میکنند. در نتیجه ادامه مبارزه علیه امپریالیسم ، پاک کردن باقی ماندگان نوکران آمریکا و قطع نفوذ همه جانبه آن در اشکال مختلف و در کلیه زمینه ها از یکسو و متقابلاً قطع نفوذ امپریالیسم نو خاسته روس ، مبارزه با آن و مجال ندادن به خرابکاریهای عمال داخلی آن و افشای عملیات تفرقه افکنانه آنها عمده ترین وظیفه انقلاب کنونی را تشکیل میدهد.

با تغییر در قدرت سیاسی ، دیگر رژیم حاکم مظهر دشمنان خلق نبوده ، دیگر سرنگونی آن نمی تواند در دستور کار انقلابیون در این مرحله قرار گیرد. مبارزه ای عمده و لیهی تیز حمله ای ما ، اکنون باید علیه امپریالیسم بیوزنه آمریکا و روس و عمال سرنگون شده و اخلاکگر آنها باشد ، آنها در اتحاد با قدرت انقلابی حاکم تنها با این سمتگیری و در اتحاد با رژیم اسلامی حاکم به رهبری امام خمینی است که نیروی انقلاب قادر است پیروزیهای کسب شده را قدم به قدم استحکام بخشد و انقلاب را قدم به قدم به پیش ببرد.

امپریالیسم روس و عمال آن امروز با نقاب دوستی به میسدان آمده اند. اما خلق ما فراموش نمی کند که در طی نزدیک به دوده گذشته چگونه به حمایت رژیم شاه و مخالفت با مبارزات مردم ما برخاستند آنها قیام خونین پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و رهبران روحانی آن که —

امام خمینی در راستان قراردادش را ارتجایی و فنا تیک نامیدند و از شاه پشتیبانی کردند.

آنها با کمک به تسلیح ارتش شاه از طریق فروش اسلحه به رنج و ستمی که توده‌های مردم مادرزیر یوغ رژیم شاه داشتند افزودند. آنها اصلاحات نواستعماری شاه مخلوع راستودندو به حمایت از بسه اصطلاح" جنبه‌های مثبت" رژیم شاه پرداختند. آنها بفارت وچپا اول منابع طبیعی کشورما چسبون گاز طبیعی برداختندو زحمتکشان ما را استثماری نمودند. آنها از زبان حزب توده به مبارزه‌ی روشنفکران انقلابی میهن حمله کرده و آنها را عامل تشدید اختناق قلمداد کردند. آنها از زبان حزب توده به قیام قهرمانانه مردم تبریز در بهمن ماه سال گذشته حمله کرده و بکاربرد قهر از جانب مردم را کارمشتی سازمان امنیتی و اوباش خواندندو آنگاه که این انقلاب مردم ما به نتیجه می‌رسید رنگ عوض کرده واز در دوستی درآمدند. اما در طسی این مدت نیز یک لحظه از تهدید استقلال کشورمان به بهانه بند ۶ قرارداد ۱۹۲۱ فروگذار نکردند. بیجهت هم نیست که امام خمینی در پیامهای خود به مردم ایران نام شوروی را در کنار آمریکا، انگلستان و صهیونیستها بعنوان دشمنی که باید تا خلع ید کامل با آن مبارزه نمود قرار میدهدو بهنگام دیدار با سفیر روس با وضوح کامل نسبت به دخالت آنان در امور داخلی ایران هشدار میدهد.

امپریالیستهای روس، این روزها اهرمهای پنهانی خود را بکار انداخته‌اند تا مردم ما را علیه دولت تازه پا گرفته بشورانند. آنها با دادن لقب" بورژوازی میانه‌رو" به آن، از با اصطلاح کمونیستها می‌خواهند تا به مبارزه علیه آن و برای برانداختن آن برخیزند. بلندگوهای تبلیغاتی تزارهای نوین روسیه تلویحا "حکومت کنونی را به حکومت موقت کرنسکی شباهت میدهند که پس از روی کار آمدن در مدتی کوتاه توسط طبقه‌ی کارگر برانداخته شد. هدف آنها از این شباهت - سازی تاریخی اینست که زمینه را برای سرنگونی حکومت کنونی فراهم سازند. آنها آگاهانه برای ایجاد اغتشاش فکری در صفوف نیروهای انقلابی و مترقی، شرایط روسیه‌ی امپریالیستی را با ایران نیمه - مستعمره یکی میگیرندو ظاهرا از موضعی "چپ" صحبت میکنند تا طبقه‌ی

کارگر و سایر زحمتکشان کشور ما را در برابر بورژوازی ملی حاکم قرار دهند و ایجاد کردن کارگران و دهقانان از جنبش خلق، تلاش دارند اتحاد بزرگ مردم را بهم زنند و زمینه را برای از میان برداشتن دستاوردهای انقلاب کنونی و ایجاد رژیم واپس‌بنده امپریالیسم روس فراهم سازند. دامن زدن به مسئله‌ی تشکیل "شوراها" توسط دارودسته‌ی کمیته مرکزی حزب نوده، درست بخاطر ایجاد اغتشاش فکری و تفرقه است.

با توجه به وضع کنونی جنبش توده‌ای و وضع نسبتاً پراکنده‌ی طبقه‌ی کارگر در ایران از نظر رهبری و تشکلش، "شوراها" بمعنی واقعی لنینی آن که در دو انقلاب روسیه تشکیل شدند نیز غیرممکن است و باید در برنامه‌ی درازمدت طبقه‌ی کارگر قرار گیرد. "شوراها" سازمانهای توده‌ای سیاسی کارگران، دهقانان و یاسربازان بودند که وسیله‌ی اعمال فشار به دولت حاکم و اعمال قدرت خلق بشمار میرفتند یعنی دولتی در دولت بودند. این شوراها اساساً رهبری سازمانهای سیاسی کارگری موجود و بویژه حزب بلشویک به رهبری لنین قرار داشتند. آیا در شرایط کنونی ایجاد چنین شوراهائی تنها یک حرکت خودبخودی نیست؟ این شوراها بر اساس کدام خط مشی و رهبری حزب سیاسی اعمال قدرت خواهند کرد؟ متأسفانه بعضی‌ها که تعاریف متعددی از "شورا" ارائه میدهند بدون تمایز دقیق گذاردن میان "شورا" بمفهوم سندیکای کارگری و شوراها بمعنی یک ارگان قدرت سیاسی (دولت)، آب به آسیاب دارو دسته‌ی حزب توده وایسته به شوری میریزند.

بر انداختن حکومت کنونی و جایگزین کردن آن بوسیله‌ی یک حکومت وایسته ویا حتی متمایل به امپریالیسم روس نه تنها یک قدم طبقه‌ی کارگر را بهدف درازمدت خود نزدیک نمیکند بلکه آنرا بطور قطع دور میسازد. حکومتی که به طرفداری از امپریالیسم روس و با دست دارودسته‌ی حزب توده بسرکار آید، ماهیتاً حکومتی بورژوائی از نوع کمپرادوری، یعنی وایسته به آن خواهد بود.

آنها بخاطر اینکه در اقلیت اند یک دیکتاتور فاشیستی برپا نموده و کلیه‌ی آزادیهای کنونی را هم که پس از انقلاب بدست آمد ه لغو خواهند کرد. نمونه‌ی آن در خود شوروی است که عملاً یک دیکتاتور

فاشیستی حاکمیت دارد و مخالفین را به دارالمجانین روانه می‌دارند. هیچ روزنامه و دسته‌ای در مخالفت با دولت حق وجود ندارد و هیچ کلمه‌ای در مخالفت با رژیم حاکم در نشریات آورده نمی‌شود.

در مقابل، طبقه کارگر مادر رابطه با جمهوری اسلامی و وظیفه راکه مکمل یکدیگرند باید به پیش برد. از یکسو باید از جمهوری - اسلامی در برابر حملات امپریالیستها از جمله حملات امپریالیسم روس و عمال داخلی آنها حراست کرده و از این طریق، از روی کار آمدن رژیم وابسته به امپریالیسم جلوگیری نمود، از سوی دیگر با پیروی از سیاست حمایت و همکاری و وحدت و اتحاد، تذکرو مبارزه یعنی دست زدن به مبارزه بخاطر استحکام وحدت با انتقاد از جوانبنا - درست و کمبودهای جمهوری اسلامی حاکم بکودتای انقلاب کنونی را عمق بخشیده و از این طریق از دستبرد امپریالیستها آنرا محفوظ بدارد. این دو وظیفه در حقیقت بیک هدف خدمت میکنند و آنهم ادامه‌ی انقلاب است و جلوگیری از اینکه جمهوری اسلامی بسوی این یا آن امپریالیسم متمایل شود و راه خطا و انحراف را در پیش گیرد.

وظیفه‌ی نیروهای انقلابی است که هشیاری خود را در برابر عملیات تفرقه افکنانه‌ی امپریالیسم روس یا لائبرند، میان دو نوع حرکت، حرکت انتقادی توده‌ها از برخی سیاستهای جمهوری اسلامی و حرکت عمال بیگانه، دقیقاً تمایز قائل شوند. در اوضاع پس از انقلاب کمبودها زیاد و اشکالات متعددند. علاوه بر این در میان رهبران و مسئولین حکومت ملی کنونی بعضی گرایشهای سکتاریستی و غیردمکراتیک دیده میشود. درست بهمین علت باید تضادها را درست بررسی کرد و تضادهای درون خلقی را از تضاد بین خلق و ضد خلق باز شناخت و متناسب با هر کدام شیوه‌های مناسبی برای حل آنها در پیش گرفت.

مادرزیر بطور مشخص در رابطه با امر ادامه‌ی انقلاب و تعمیق آن در سه زمینه‌ی ادامه‌ی مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نظرات خود را می‌آوریم:

### **الف - ادامه‌ی انقلاب در جهت تامین استقلال:**

همانطور که تاکید شد، پیشبرد امر انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دمکراتیک کنونی جامعه‌ی مادرگرو مبارزه بخاطر استقلال همه جانبه‌ی

کشور است. تاریخ کشور ما در طی یک قرن اخیر به روشنی نشان میدهد که بزرگترین لطمت و جراحاتی که بر بیکر مردم و اجتماع ما وارد آمده ناشی از مداخلات استعمارگران و امپریالیسم بوده است. نفوذ تزاریسم روسیه در ایران بهنگام سلطنت محمدعلیشاه، تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ روسیه و انگلستان در سال ۱۹۰۷، تشکیل باصطلاح دولت ملی در کرمانشاه با شرکت افرادی چون اسکندر میرزا که مورد حمایت آلمانیها قرار گرفت و در نتیجه تضاد بین امپریالیستهای آلمان و انگلیس و روس بر سر بدست آوردن تفوق در ایران، نفوذ امپریالیسم انگلیس بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت و تلاش آن در مستعمره کردن ایران از طریق قرارداد ۱۹۱۹ با وثوق الدوله و کودتای رضاخان با کمک عمال سرسپرده‌ی امپریالیسم انگلیس چون سیدضیاءالدین طباطبائی، تشدید تضادهای امپریالیسم انگلیس و آلمان در دهه‌ی دوم سلطنت رضاخان که منجر به بسط و گسترش نفوذ امپریالیسم آلمان در ایران شد، تلاش امپریالیسم انگلیس بعد از جنگ جهانی دوم در جهت گسترش مجدد نفوذ خود در ایران و ورود امپریالیسم آمریکا در صحنه‌ی رقابت با امپریالیسم انگلیس بخاطر به دست آوردن سهم بیشتری در غارت کشور و بالاخره کودتای خائنه‌ی امپریالیستی ۱۳۳۲ که منجر به سقوط حکومت ملی دکترومصدق گردید و امپریالیسم آمریکا موقعیت درجه اول بدست آورد و رقابت شوروی و آمریکا در دهه‌ی اخیر در ایران بخاطر بدست آوردن لقمه‌ی چربتری از این خوان یغما، همه و همه نمونه‌های برجسته‌ای بودند که نشان میدهند تا چه اندازه امپریالیستها، برای تسلط بر جامعه‌ی ما رقابت داشته و خلقهای میهن ما تا چه حد از مداخلات بیگانگان امپریالیست رنج برده و حقشان پایمال شده است. آیا امروز باشکستی که بر امپریالیسم آمریکا در ایران وارد آمده میتوان دچار خیالات واهی شده مبارزه برای استقلال همه جانبه‌ی کشور ما حدت سابق خود را از دست داده است؟ آیا آزمونهای تلخ تاریخ را که خلق ما به بهای خون هزاران نفر فرزندان رشید و خلفش بدست آورده میتوان نادیده گرفت؟ آیا تلاشهای مزورانه و ضدانقلابی دو-ابرقدرت را که برای بسط و گسترش مناطق نفوذ خود در جهان بشدت به رقابت میپردازند و بسیاری از مناطق جهان را از زیر دست ابرقدرت دیگر

در آورده و به زیر سلطه‌ی خود می‌آوردند، میتوان نادیده گرفت؟ آیا حوادثی که در چند سال اخیر، در آفریقا، آمریکا، لاتین، آسیای جنوب شرقی و خود خاور میانه رخ داده است، هشداری برای ما نیست که باید این خطر را جدی گرفت و کلیه‌ی عواملی را که بنحوی یا عسست تقویت مجدد و نفوذ امپریالیسم آمریکا و یا ایجاد زمینه برای نفوذ امپریالیسم روسیه میشود از میان برداشت؟

در مرحله‌ی کنونی مبارزه بخاطر استقلال همه جانبه‌ی کشور مضمون عمده‌ی مبارزه علیه امپریالیسم راست‌گراست. این مبارزه درجه زمین‌هایی باید پیش‌برده شود؟

۱- مبارزه بخاطر استقلال سیاسی: سیاست داخلی و خارجی مستقل که مبنای بر مافع ملی و حلقی باشد، اساس کلیه فعالیتها ی سیاسی دولت در جهت تعمیق و استقلال سیاسی کشور میباشد. در سیاست داخلی پیشبرد کارها با تکیه بخلق، فراهم آوردن شرایط برای اینکسه کارگران، دهقانان، اقشار مختلف خرده‌بورژوازی و بورژوازی ملی استقلال خواه بتوانند اینکار و خلاقیت خود در امر تولید و در اداره کشور بکار اندازند. چنانچه از سیاست داخلی ذکر شده در بالا پیروی کنیم، در سیاست خارجی هم مطمئنا راه درستی را در پیش خواهیم گرفت. سیاست خارجی ما باید مبتنی بر همستگی با تمام مردم، ملل و کشورهایی باشد که خواهان استقلال، آزادی و انقلابند. در این امر باید در درجه اول امید خود را به مردم این کشورها ببندیم، از آنها پشتیبانی نموده و پشتیبانی آنها را بخود جلب کنیم. دفاع از مبارزات آزادیبخش ملی کلیه‌ی خلقهای ستمدیده‌ی جهان و بویژه خلقهای مسلمان که در منطقه‌ی وسیعی قرار گرفته‌اند، از جنوب شرقی آسیا - فیلیپین تا غرب آفریقا، از مداخلات امپریالیست‌ها رنج می‌برند و در میان آنها مبارزه‌ی آزادیبخش خلق فلسطین علیه صهیونیسم، این غده‌ی سرطانی که دو بر قدرت با توسل به آن تلاش میکنند تا نفوذ خود را در کشورهای عربی منطقه‌ی خاور میانه بسط دهند، اهمیت برجسته‌ای دارد.

حال ببینیم در این زمینه‌ها چه فعالیت‌هایی صورت گرفته است. امام خمینی طبق شواهد تاریخی و مواضع فاطمی که در جریان انقلاب گرفته‌است، شدیداً از استقلال سیاسی ایران دفاع کرده و بارها به

دو ابر قدرت آمریکا و شوروی اخطار داده است که نباید در امور کشور ما دخالت کنند. هشیاری رهبری انقلابی کنونی میهنمان در این زمینه بسیار ارزشمند است زیرا همانطور که در بالا نیز توضیح دادیم در بسیاری از کشورها در پیشبرد امر انقلاب نیروهای انقلابی در اضعاف همویشاری، مواضع مستقل خود را از دست داده و برای پیرو شدن بزرگ ابر قدرت به ابر قدرت دیگر متکی شده اند. از نظر تکیه بخلق بکرات امام خمینی با توضیح نقش عظیم خلقمان در سرنگون ساختن رژیم طاغوتی وابسته‌ی گذشته، تاکید کرده است که این انقلاب نمیتواند در ورای - خواستها و احساسات آنان صورت گیرد. در زمینه‌ی سیاست خارجی، دفاع پرشور از انقلاب فلسطین، هشدار دادن به امپریالیست‌ها که نباید در امور خلقهای مسلمان مداخله کنند و اینکه ایران از منافع این خلقها دفاع خواهد کرد، نمونه برجسته‌ای است از موضع گیری و عملکرد سیاسی درست در زمینه‌ی مسائل بین المللی توسط رهبران انقلاب.

نکته‌ی دیگری این است که بحاطر دفاع از استقلال سیاسی، گمراهی در شخصیت‌های ملی و میهن پرست بر مصدر کارها اهمیت دارد. در این مورد رویدادهای اخیر نشان میدهند که از طرف دولت ملی موقت بازرگان بدقت و حساسیت لازم چه در سرکوب ضدانقلاب و چه در گمراهی برخی افراد به مقامهای پرمسئولیت بکار گرفته نشده که بحق نگرانی‌هایی را بوجود آورده است. تجربه تلخ ناکام ماندن انقلاب مشروطیت و اقتصاد انهرمهای سیاسی کشور بدست عناصر متزلزل، سست عنصر و حتی ضد انقلابی نشان میدهد که باید در این زمینه هوشیاری را بالا برد و قویا از دولت ملی موقت یا هر دولت آینده خواست که به هیچگونه سهل انگاری در این زمینه تن ندهد.

۲- مبارزه بخاطر اسفلال اقتصادی : ذخایر عظیم طبیعی ایران بازار وسیع و موقعیت مناسب اقتصادی آن باعث شده است که از دیرباز امپریالیست‌ها چشم طمع به کشور ما دوخته، منابع آنرا بیگارت برده و بقول معروف بر روی خمهای طلا، مردم ما را گرسنه نگهدارند لذا :

\* لغو کلیه قراردادهای اقتصادی ظالمانه و نایر ابر در زمینه نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع فولاد و ذوب آهن، صنایع ماشین سازی و مونتاژ، ذوب مس، صنایع هسته‌ای، ماهیگیری و کشاورزی و غیره

اخراج مستشاران خارجی و عقد قراردادهائی که منافع ملی ما را تا مین  
نموده و وابستگی بوجود نیآورد، ضرورت درجهی اولی را در ساختمان  
اقتصاد ملی و مستقل دارد. در نتیجه کلیه سرمایه‌ها و موسسات  
امپریالیستی در صنعت، کشاورزی و خدمات باید گام به گام ملی  
گردند و قراردادهای جدیدی با خارجیان بر اساس حفظ منافع ملی ما  
انعقاد گردد. همچنین باید کلیه دارائی‌های خائنین بخلق که با  
دستیاری امپریالیسم و تکیه بر نیروهای سرکوب رژیم سابق بغارت  
بیت‌المال پرداخته‌اند یعنی امراء دولتی، ارتشی‌ها، عمال ساواک  
سرمایه‌داران کمپرادوری که تعدادی از آنها از ترس خلق فرار کرده-  
اند و در اس‌همه اینها دربار منفور پهلوی و وابستگان به آن‌ها  
و ملی شوند.

**\* تحکیم استقلال اقتصادی کشور: بخاطر این امر باید در اسرع وقت**

وابستگی کشور را به اقتصاد نک محصولی نفت و گاز کاملاً رها ساخته و با  
بسط و گسترش صنایع ملی و رشد کشاورزی و بالابردن بازدهی در تولید  
منابع دیگری از درآمد را غیر از نفت بوجود آورد. در این مورد مسئله  
کشاورزی جایگاه مهمی را اشغال میکند. رژیم استبدادی و وابسته‌ی  
شاه، کشاورزی ما را در آستانه‌ی سقوط کامل قرار داد، بحدی که نه  
تنها درآمد حاصل از کشاورزی به رقم ناچیزی نسبت به کل درآمدهای  
کشور تنزل یافت بلکه تمایل سنتی و علاقمندی دهقانان به کشت و  
کار را شدیداً متزلزل ساخت و کشور ما میرفت تا به سرزمینهای سوخته و  
لم بزرع شباهت پیدا کند و عملاً به کویری سرناسری تبدیل گردد.  
برای رشد کشاورزی و دامداری ایران باید نفوذ امپریالیسم، سرمایه  
داری وابسته و بقایای فئودالیسم درده را ریشه کن ساخت. در روستا  
باید از سیاست زمین مال کسی است که روی آن کار میکند، بیرونی نمود.  
کارگران روزمزد و دهقانان بی زمین باید زمیندار شوند. به دهقانان  
کم زمین باید زمین به اندازه کافی داده شود. ملی کردن شرکتهای  
کشت و صنعت وابسته به سرمایه‌های خارجی به مفهوم ایجاد تعاونی-  
های بزرگ تولیدی توسط دهقانان و کارگران کشاورزی در این شرکتهای  
با همکاری و هدایت دولت، ملی کردن کلیه اراضی مالکین و سرمایه-  
داران بزرگ و بویژه خاندان منفور پهلوی به مفهوم سپردن آنها به

کارگران کشاورزی یا دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، سپردن تعیین سرنوشت شرکت‌های سهامی زراعی به دهقانان، لغو پرداخت اجاره بها به مالکین سابق و جلوگیری از فعالیت مجدد آنها در روستاها تقسیم عادلانه‌ی زمین در نقاطی که ضروریست، لغو کلیه‌ی قرضه‌های دهقانان به شرکت‌های تعاونی و بانکها، تامین احتیاجات مالی کشاورزان در جهت رشد تولیدات کشاورزی و توجه به بهبود وضع ابزار کشاورزی و بالاخره ایجاد شرایط لازم برای اینکه دهقانان فقیر و روزمزد و کارگران کشاورزی در روستاها، از طریق اتحادیه‌های دهقانی با درهم کوبیدن کلیه‌ی موسسات قدرت رژیم سابق، حاکمیت خویش را بوجود آورند و به تشکیل تعاونیهای داوطلبانه‌ی تولید و مصرف دهقانی بپردازند. این اقدامات از جمله عوامل موثر در رشد و شکوفایی کشاورزی ما بوده و نه تنها امکان رسیدن به خودکفایی را فراهم خواهد ساخت بلکه از این طریق کشاورزی یکی از اهرمهای اقتصادی کشور ما خواهد شد.

امروز در صحنه‌ی بین‌المللی بوضوح می‌بینیم که تولیداتی نظیر گندم، برنج و غیره به عامل فشار سیاسی تبدیل شده‌اند. این امر هوشیاری بیشتری را از ما طلب می‌کند تا بتوانیم در مقابل فشارهای خارجی با قدرت مقاومت کنیم.

**\* انکاء به نیروی خود داشتن ابتکار عمل : نوسازی اقتصاد -**

ملی، تقویت و گسترش صنایع ملی چه در سطح دولتی و چه خصوصی و رشد کشاورزی میهن مادرگرو این اصل اساسی می‌باشد. این به چه معناست؟ باید سرمایه‌گذاری و مدیریت در امر تولید اساساً توسط ایرانیان صورت گیرد. باید کلیه‌ی طرحها در جهت ایجاد گسترش موسسات تولیدی مطابق با احتیاجات کشور بوده و کلیه‌ی نیروهای بالقوه و بالفعل جامعه برای پیشبرد این امر بسیج شوند و این تنها در صورتی ممکن است که در کلیه‌ی مراحل تولید اصل نکیه به توده‌ها و حفظ منافع آنان رعایت گردد. این بدان معناست که در کنترل تولید و توزیع محصولات - کارگران، کارکنان و مدیران شرکت فعال داشته باشند. استثمار شدید زحمتکشان، اعمال ظلم و ستم بر آنان، جلوگیری از خلاقیت و ابتکار عمل کارگران، تکنیسینها، مهندسان و متخصصین و

تبدیل محیط کار به محیط خفان کارفرمایان یا مقامات اداری از -  
حرک و انعطاف پذیری ورشد و شکوفائی صنایع ملی ما جلوگیری میکند.  
ایجاد اعتماد به نفس ملی و اینکه خلق ما قادر است روی دویای  
خود استوار بایستد و با استفاده از منابع عظیم ملی، ایران را سرعت در  
جاده ترقی و تعالی به پیش برد، امریست ضروری. امیرالیستها  
دهها سال است که زهر عدم اعتماد بخود را در رگهای جامعه ما تزریق  
کرده اند و خود را فهران همیشه پیروز و عرصت فلما د نموده اند.  
روزیونیستهای وابسته به شوری هم تلاش کرده اند تا در لفافه های  
با صلاح مبارزه علیه امیرالیسم اهمیت "کمکهای برادرانه کشورهای  
سوسیالیستی" را که اساسا بخاطر منکی شدن به امیرالیسم روسه است.  
به رخ مردم ما کشیده و چنین وانمود میکنند که بدون تکیه به شوری  
ما قادر نیستیم مشکلات اقتصادی کشور ما را برطرف سازیم. ایمن  
تبلیغات سوء تاحدی در میان صفوف خلق ما افکار نادرست بوجود آورده  
است، باید شدیداً علیه هر دو نظر تحقیر آمیز به مبارزه برخاست.  
مردم ما طی هزاران سال نه تنها توانسته اند سربلند روی پاهای خود  
بایستند بلکه نمونه های ارزنده ای در کلیه زمینه های مادی و معنوی  
به جهان ارائه نموده اند. کمکهای خارجی در بهترین حالت هیچگاه  
نباید تعیین کننده در اقتصاد کشور ما گردد.

**\* حمایت از صنایع داخلی** مفهوم حمایت از سرمایه گذاریهای  
متوسط و کوچک، حمایت از تولیدات داخلی چه در صنعت و چه در کشاورزی  
جلوگیری از وجود محصولات صنعتی یا کشاورزی که امکان تولید آنها در  
داخل کشور موجود باشد و در این زمینه جلوگیری از یک نوع مصرفی بند  
وباری که رژیم سابق به آن دامزده و در نتیجه ورود انواع کالاهای  
غیر ضرور رایج داخل فراهم ساخته بود و همین امر باعث ورشکسته شدن  
سرمایه های کوچک و متوسط میگردد، در ساختمان اقتصاد مستقل کشور ما  
اهمیت زیادی دارد.

امیرالیسم شوروی و حزب نوده وابسته به آن با طرح "راه رشد  
غیر سرمایه داری" که اساسا مفهوم تقویت سرمایه های دولتی وابسته  
است تلاش دارد تا الگوی سیستم بوروکراتیک استثمار و انحصارگری که  
در شوروی دیکتاتوری وحشتناکی را بوجود آورده است، در ایران مانیز

بپایه شود. آیا دولتی کردن سرمایه راه آینده‌آلست؟

مارکسیسم - لنینیسم در ساختمان سوسیالیسم، از بین بردن مالکیت خصوصی و ایجاد شرایط برای اینکه توزیع نعم مادی جامعه بطور عادلانه تقسیم گردد را یک جابجیان داشته است و بعلمت عدم توجه به این نکته‌ی دوم می‌بینیم سرمایه دولتی انحصارگر بیوروکرات در شوری ظاهرًا مالکیت خصوصی را از بین بردولی اکنون مالکیت گروهی متمرکزتری را بوجود آورده که شمره‌ی زحمت و کارطیفه‌ی کارگرو سایر زحمتکشان شوری را بخود اختصاص داده‌اند، بدون اینکه قباله مالکیت درست داشته باشند.

درست بهمین علت است که مادر بالا پیشنهادها دکنترل تولید و توزیع را توسط کارگران، دهقانان، کارمندان و مدیران را در مرحله کنونی پیشنهاد می‌کنیم.

اظهار نظرها و تصمیمات رهبران انقلاب تا بحال در زمینه‌ی استقلال اقتصادی کشور بسیار امیدبخش بوده‌اند. تاکید در مورد سروسان‌دادن کشاورزی (کشت بیشتر، کمک و حمایت مالی از دهقانان) و ضبط اموال خاندان شاه و سایر خائنین توسط دولت همچنین اعلام فروش نفت بصورت مستقل توسط شرکت ملی نفت ایران و نه از طریق کنسرسیوم توسط دولت موقت از جمله نظرات صحیح در پیشبرد انقلاب می‌باشد. در حالی که در مورد میدان دادن به این که زحمتکشان در اداره‌ی امور موسسات تولیدی نقش فعالی داشته باشند در دولت موقت مقاومت وجود دارد که نادرست می‌باشد.

۳- مبارزه بخاطر استقلال نظامی بعلمت اهمیت نیروهای مسلح، استعمارگران و امپریالیست‌ها در گذشته از طریق تضعیف، رسوخ و حتی بدست گرفتن رهبری بخشی از نیروهای مسلح یا تمامی آن، استقلال نظامی کشور ما را از بین برده و زمینه‌ی اعمال نفوذ در کشور ما را فراهم ساخته‌اند. ولسی رویدادهای اخیر نشان داد که مجهزترین ارتش منطقه‌ی خاورمیانه که شاه آنقدر در مورد آن به لاف و گزاف پرداخته بود در مقابل اراده توده‌های میلیونی درهم ریخته شد. یکبار دیگر ثابت گردید که گرچه اسلحه ضروریست اما آنچه تعیین کننده است انسان است و نه اسلحه. انسانی که بان نیروی انقلابی در صفوف میلیونی بخاطر تحقق خواستها ی

اکثریت مردم برمیخیزد. چگونه ما میتوانیم استقلال خود را در زمینه نظامی تامین کنیم :

\* سیاستهای نظامی باید پیرو خط مشی کلی مان در دفاع از استقلال ، تمامیت ارضی و حاکمیت کشورمان باشد .

\* عدم شرکت در پیمانهای نظامی امپریالیستی و در مقابل، ایجاد همبستگی و همکاری با خلقها و ملل و کشورهای استقلال خواه منطقه برای مقابله با نفوذ دوا بر قدرت .

\* ایجاد سیستم دفاع ملی قدرتمند متکی بخلق از طریق ایجاد ارتش ملی و سازمان شبه نظامی یا پاسداران انقلاب ، بمثابه نیروی کمکی ارتش تحت نظارت دولت مرکزی .

برای ایجاد ارتش ملی باید خصوصیات ارتش درهم ریخته سابق را باز شناخت ، خصوصیات برجسته ارتش سابق عبارت بوده اند از : غیر حرفه ای بودن ، اطاعت کورکورانه با ایدئولوژی شاهنشاهی ، نیروی سرکوب ضد انقلابی وابسته به آمریکا و اعمال نقش ژاندارم در منطقه . حرفه ای نبودن این ارتش باعث میشد که سربازان ، درجه داران و افسران وظیفه که از درون خلق بیرون آمده اند ، پیوندهای خود را با خلق از دست ندهند و در شرایط نامساعد درون ارتش تا حدودی به مقاومت و مبارزه علیه امرای جنایتکار ارتش بپردازند . بطور سستی در ارتش ایران جنبش آزادیخواهان وجود داشته است : قیامهای متعدد افسران انقلابی ، ایجاد دسته ها و تشکلهای ضدهیئت حاکمه و وابسته به امپریالیسم عدم پیروی از دستورات افسران بخصوص فرماندهان در زمینه ی سرکوب خلق ، پیوستن به خلق و فرار از سربازخانه ها ، کشتن افسران و فرماندهان نی که علیه خلق توطئه چینی نمودند (در ماههای اخیر ) و بالاخره مقاومت مسلحانه ی قهرمانانه در دفاع از انقلاب در بهمن ماه نشان دهنده ی این امر بود که رژیم شاه هرگز نتوانسته بود روحیه ی مقاومت را در ارتش کاملاً نابود سازد . ایجاد واحدهای حرفه ای اصطلاح زبده نظیر گاردجاویدان درست بمنظور برکردن ضعفی بود که بعلت غیر حرفه ای بودن بخش مهمی از ارتش وجود داشت از همین رو هنگامی که امپریالیسم آمریکا در مقابل جنبش خلق ما روش عقب نشینی را اختیار نمود ، ارتش موجود با اوج گیری مبارزات میلیونی مردم و تحت تاثیر آن

ارتش دستخوش زلزله گشته بود، بایک قیام مسلحانه‌ی دو روزه مردم سرعت‌سرنگون شد.

اطاعت‌گورگورانه باایدئولوژی شاهنشاهی باعث شده بود که روحیه‌ی آلت‌بی‌اراده‌ی شاه بودن درسطررهبری وکادراهای بالای ارتش چنان قوی باشدکه آنها باکوردلی تمام بسرکوب مردم انقلابی می - پرداختند و درهم‌کوبیدن این طرزتفکرواین رهبری بی‌اراده که درعین حال با استفاده از موقعیت نظامی خود سفوذ سیاسی و اقتصادی مهم‌سی‌را نیز بدست آورده بودند، حائز اهمیت خاص می‌باشد.

نوسازی آری، انحلال نه : تبدیل ارتش از نیروی سرکوب ضدانقلابی وابسته به آمریکا به نیروی ملی و انقلابی وابسته بخلق و از بین بردن خصلت زاندارم منطقه‌ای بودن آن و تبدیلش به ارتشی کسه فقط بایداز استقلال کشورمان در مقابل حملات خارجی دفاع کند، اینها هستند اساس تغییراتی که در ارتش باید صورت گیرد. اکنون که ارتش مزدور و وابسته ایران بهم ریخته، با احیای کلیه‌ی خصوصیات آن نمیتوان امید داشت که این ارتش از منافع ملی و خلق ما دفاع نماید. در نتیجه با حفظ خصلت غیرحرفه‌ای بودن آن، بایده تصفیه‌ی رهبری آن در کلیه‌ی سطوح از امیران و افسران بد سابقه تا عوامل ساواک دست‌زد و نوسازی آنرا بآتکیه به کادراهای واقعا ملی و شناخته شده توسط مردم به پیش برد. این نوسازی با ایجاد وسیع‌ترین دمکراسی برای سربازان و از بین بردن اطاعت‌گورگورانه، جلوگیری از نفوذ عناصر ضدانقلابی و وابسته به بیگانه در صفوف ارتش و بالاخره تامین رفاه سربازان ممکن است. بسط آزادی در درون ارتش، دفاع از حقوق سربازان، کنترل بودجه‌ای که بایده مصرف آنها برسد و رسیدگی به شکایات سربازان در - مقابل زورگوئی‌های افسران توسط کمیته سربازان، گسترش و تقویت پیوندهای آن با مردم از طریق شرکت فعال ارتش در امر تولید مفهوم بر - طرف ساختن بخشی از احتیاجات خود از یکسو و کمک به مردم هنگامی که به علل گوناگون حوادث و سوانح طبیعی، تولید در کشور با مشکلات روبرو شود از سوی دیگر، بوجود آوردن کمیته‌های سیاسی در سطوح مختلف فرماندهی برای دادن آموزش سیاسی - میهنی به افراد ارتش، تقویت روحیه میهن پرستی، دفاع از آزادی و خدمت بخلق و تامین رشد فرهنگی افراد ارتش

بویژه مبارزه با بیسوادی در درون آن از جمله وظایف مهم کنونی در زمینه نوسازی یک ارتش ملی می باشد .

همچنین ایجاد سازمان شبه نظامی خلق (پاسداران انقلاب) بعنوان نیروی کمکی به ارتش منظم که با یستی اساسا توسط توده های مردم تشکیل گردد و اعتقادات میهن پرستانه و صالح بودن آن ، توسط خلق تضمین شود ، ضروریست .

در زمینه ی عدم کنترل دقیق انتخاب افراد یا توزیع سلاح — پاسداران انقلاب که در مواردی منجر به مسلح شدن برخی از افراد ساواک و نامطمئن گشته ، کمبود جدی بچشم می خورد . این عدم هوشیاری میتواند عواقب ناگواری ببار آورد و زمینه را برای رشد عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم سابق فراهم سازد . در عین حال باید هوشیاری خود را در برابر امپریالیسم روسیه بالا ببریم . در مقطع کنونی عمال مزدور روسیه تحت عناوین فریبنده ای از قبیل انحلال ارتش و ایجاد ارتش خلقی تلاش میکنند اولاً عناصرمیهن پرست و ملی درون ارتش را نیز از آن رانده و بجای آن عناصر جاسوس و مزدور روسیه را در سطوح مختلف ارتش رخنه دهند و ثانیاً سیستم دفاع ملی کشور را که با مشکلات و تضادهای مختلف دارد شکل میگیرد مورد ضربه قرار دهند و با تضعیف آن زمینه را برای تهدید شان تاز و اخلاخل گریهای امپریالیسم روسیه در ایران فراهم سازند .

در صفوف نیروهای انقلابی و مترقی نیز برخی از انحلال ارتش صحبت میکنند و برخی پیشنهاد ایجاد ارتش خلقی را میدهند . مسلماً کسی که چنین پیشنهادی را میدهد باید زمینه های طبقاتی و عملی انحلال ارتش و ایجاد ارتش خلقی را با زگو کند . چنین امری صورت نگرفته است زیرا محملهای مادی آن وجود ندارد و شعاری غیر عملی است . به نظر ما با توجه به ضعف سازمان یافتگی خلق بویژه کارگران و دهقانان اولاً ایجاد ارتش خلقی غیر ممکن است زیرا چنین ارتشی در جریان مبارزه ی طولانی مسلحانه ی خلق جهت کسب قدرت تدریجاً ساخته میشود و کارهای رهبری کننده ی آن در درون مبارزه ی طولانی تربیت میشوند و قدرت رهبری چنین ارتشی را بدست می آورند . ثانیاً انحلال ارتش با توجه به این کمبود خلق در شرایط فعلی تنها به نفع گروههایی خواهد بود که دست به ایجاد

ارتشهای ویژه‌ی خودزده و این امر اغتشاش در کشور را دامن خواهد زد و نیز دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و وحدت کشور ما را با مشکلات فراوانی روبرو ساخته و بهترین شرایط را برای مداخله‌ی بیگانگان و خصوصاً امپریالیسم روس فراهم خواهد آورد. در این زمینه توجه به شعارهای حزب توده وابسته به شوروی در زمینه‌ی مسلح شدن بخوبی نشاندهنده‌ی جهت‌گیری‌هایی است که خطرات جدی برای استقلال کشور ما دارد. بنابراین از آنجا که ساختن ارتشی خلقی به مفهومی که در بالا گفتیم در شرایط ضعف‌سازمان یافتگی خلق بسادگی امکان پذیر نیست، از آنجا که دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور آنهم در شرایطی که نه تنها خطر جنگ جهانی بلکه خطر مداخله بیگانگان بویژه امپریالیسم روس موجود است، از آنجا که اکثریت افراد ارتش ایران را (که تنها در سطح رهبری آن به منافع ملی ما خیانت کرده است و نه در کل) افسران و سربازانی که در صفوف مردم ستم‌دیده ما قرار دارند تشکیل میدهند و میتوان آنها را تحت یک فرماندهی میهن پرست در مرحله فعلی در خدمت منافع ملی کشانده، ما با نظرات انحلال ارتش مخالفیم و در مقابل انحلال کامل رهبری آن و تصفیه‌ی ارتش را از کارهای بالاپایانین بد سابقه و ضدملی، خواستاریم.

۴- مبارزه با خطر استقلال فرهنگی :  
 میهن ما بدلیل گوناگون تاریخی که مهمترین آن اختلاط ملیتهای گوناگون و قرار گرفتن در منطقه‌ای که چهارراه تماس بین آسیا، اروپا و آفریقا بشمار می‌آید توانست در طول تاریخ فرهنگی غنی و مستقل بوجود آورد که از اصالت خاصی برخوردار است. نفوذ سرمایه‌داری غرب و امپریالیسم که همراه خود فرهنگ وابسته‌اش را به کشور ما وارد کرد، به رشد فرهنگ ملی ما لطمات فراوانی وارد آورد. در کلیه‌ی زمینه‌های فلسفی، تاریخ‌نویسی هنری، جامعه‌شناسی، سیاست و غیره الگوهای غربی نه بصورت انتقادی و یا تلفیق یافته با شرایط ویژه‌ی کشورمان بلکه بصورتی قالبی‌شاعه یافت. در نتیجه دستاوردهای بزرگ فرهنگی ما یا بسه گونه‌ای مخدوش و یا مورد شک و تردید قرار گرفتند و یا در مقابل فرهنگ امپریالیستی غرب بی ارزش جلوه داده شدند. رویزیونیست‌ها نیز چون مدافعین سرسخت همین آموزشهای منط استعمار یانند، آموزشهای

انقلابی وزنده‌ی ما رکیسم را قلب و مسخ نموده و به نشخوار و تبلیغ تجارب کشورهای دیگر بصورتی ناقص، با سمه‌ای والگووار در ایران پرداختند و با روحیه‌ی آموزش، حفاظت و رشد و شکوفائی فرهنگ و سنتها ی غنی ملی و توده‌ای مردم ما به مبارزه برخاستند. آنها تجارب فرهنگی غنی کشور ما را نتوانستند جمع‌بندی کنند و نداشتن پیوند با فرهنگ ملی و ریشه در آن زمینه‌ی مساعدی بود که آنان را در عرصه‌ی فرهنگ نیز به زیر علم پاره‌ی فرهنگ منحنی و استعماری تزارهای کرملین نشین کشاند. در نتیجه بخاطر ایجاد احساس اعتماد به نفس ملی باید علیه این سموم غرب و شمال مبارزه نمود، مدارس، دانشگاهها، تلویزیون رادیو، تاتر، سینما، موسیقی، مطبوعات و غیره را از وجود فرهنگ استعماری والگوهای غربی و شمالی پاک کرد، به ایجاد نظام فرهنگی متناسب با احتیاجات ملی دست زد و بخاطر حفظ اصالت آن بطور دائم به توده‌ها تکیه کرد، از آنان تغذیه نمود و به اشاعه‌ی فرهنگ ملی و مردمی پرداخت. تنها از این طریق است که هدایت فرهنگ ملی ما حفظ گشته و نهایتاً به امر استقلال همه جانبه‌ی کشور ما کمک موثری خواهد گشت.

## ب- ادامه‌ی انقلاب در جهت تامین آزادی:

انقلاب سیاسی ما با سرنگون ساختن رژیم مستبد فاشیستی و وابسته شاه شرایط را برای بسط آزادی فراهم آورد. دیکتاتوری وحشیانه شاه، نظام فاشیستی تفتیش عقاید و شبکه‌ی سراسری ساواک چنان نفرتی را در دل مردم بوجود آورده بود که مبارزه بخاطر آزادی به مرکزی‌ترین وظیفه‌ی مبارزه‌ی توده‌ای تبدیل شد.

کارگران را با ایجاد سازمانهای باصلاح حفاظت در کارخانه‌ها به قیاداعت گشانده بودند و کوچکترین حرکت دمکراتیک کارگران شدیداً سرکوب میشد. کارگران نه تنها حق اظهار نظر نداشتند بلکه با فشار روز آنها را پای صندوق رای بسود خود میکشاندند. و یا بهنگام برگزاری - تظاهرات ساخنگی به طرفداری از شاه به خیابانها میآوردند و بی قانونیت و حتی عدم رعایت قوانین تدوین شده بدست خود رژیم در سراسر محیط کارگری جاکم بود.

دهقانان را به شدیدترین وجهی از طریق ژاندارمری و نیروهای

پایداری سرکوب می‌کردند. وجود عوامل سرسپرده‌ی ساواک در دهات انتخاب عناصر فاسد بعنوان کدخدایا رئیس خان‌های انصاف و تعاضات‌های ساخته، بانکها و مالکین جدید و همکاری این عناصر با پاسگاه‌های ژاندارمری قدرت جهمی و ضددهقانی‌ای را بوجود آورده بود. کلیه‌ی جنبشها و مبارزات دمکراتیک دهقانان در دوران سیاه دیکتاتوری به شدیدترین وجهی سرکوب می‌شد. کلیه‌ی عناصر آگاه دهقانی بوسیله‌ی دستگاه ساواک و با همکاری ژاندارمری دستگیر شده و به زندان‌ها روانه می‌شدند. بدین ترتیب دیکتاتوری رژیم شاه در روستا نیز بشدت عمل می‌کرد. رژیم شاه خرده بورژوازی و بورژوازی ملی را در تحت فشار شدید اقتصادی و اجتماعی و سیاسی قرار داد که انعکاس آن در فشار آوردن به روشنفکران، معلمان و دیگر اقشار بود. از میان آنها فشار بر روی روشنفکران اسلامی و غیراسلامی که نقش پیش‌تازان در آگاهی بخشیدن به مردم در پیش گرفته بودند بسیار شدید بود.

بدین ترتیب می‌بینیم که دیکتاتوری فاشیستی شاه کلیه‌ی نیروهای خلق را به اشکال گوناگون و به شدیدترین وجهی سرکوب می‌کرد اما در مقابل رژیم شاه آزادی در حق امپریالیستها و طبقات حاکم روا می‌داشت. امپریالیستها و عمال آنها صهیونیستها و عواملشان در ایران سرمایه داران وابسته بوروکراتهای بزرگ اداری و نظامی از آزادی کامل برخوردار بودند. این اقشار و طبقات، خودسرانه عمل نموده و در کلیه‌ی زمینه‌ها مردم را مورد ستم و آزار قرار می‌دادند. بدین ترتیب در ایران دیکتاتوری فاشیستی شاه در رابطه با مردم مادر سراسر میهن اعمال می‌شد و آزادی کامل برای طبقات ارتجاعی حاکم و نمایندگان فاسد آنها که افرادی بس شرور، ضد مردمی و فاسد بودند، موجود بود. انقلاب سیاسی کنونی با حرکت تاریخی خود سرنوشتی رژیم شاه دیکتاتوری طبقات و اقشار وابسته به نظام امپریالیسم و بقایای نظم فئودالی در روبنا را بر انداخته و نظام فاشیستی ساواک شاه را درهم کوبید. امروز ما شاهد کوشش انقلابی جدیدی هستیم که می‌خواهد قدرت نوینی را جایگزین قدرت سابق نماید و درست در چنین شرایطی است که امروز تفرقه و جدال‌های دربار‌های محدودیتها و یا اختیارات نظام نوین در سطوح مختلف جامعه‌ی ما جریان دارد. تمام طبقات و اقشار مختلف

مردم که سالها بوسیله رژیم سابق مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند طلب میکنند که سهمی از آزادی بدست آمده را داشته باشند. کارگران علاوه بر آزادی بیان، آزادی برای متشکل شدن را طلب میکنند. دهقانان دست به ایجاد کمیته‌های انقلابی روستائی زده و افراد مورد اعتماد خود را به رهبری روستاها برگزیده‌اند. در میان اقشار و طبقات خرده بورژوازی - روشنفکران و کارمندان اداری یک حرکت آزادی - خواهانه برای استقرار آزادی در سطوح مختلف در دانشگاهها و مدارس و ادارات دیده میشود. علاوه بر این ملیتهای گوناگون ایران بخاطر احقاق حقوق پایمال شده ملی خود و ستم بیحدی که در این زمینه به آنها شده برای کسب آزادی خود بپا خاسته‌اند. اساسا این حرکتها دارای محتوی انقلابی بوده و نقش مهمی در استحکام انقلاب و ادامه ی آن بعهده دارد.

همی شواهد نشان میدهد در میان هیات دولت موقت بر سر برخورد به این جنبشهای مردم برای تامین آزادی برخورد دوگانه‌ای موجود است. بعضی‌ها به محدود کردن آزادیهای حق طلبانه‌ی مردم متمایلند و بعضی‌ها درک عمیق تری از حرکت اصیل مردم ستم‌دیده‌ی ما داشته و در برخورد به آن سیاست مشاوری را در پیش میگیرند. بیشک این دو برخورد برای مدت طولانی باقی خواهد بود. زیرا بورژوازی ملی علی‌الاصول دارای خصلت دوگانه است. از یکسو با تکیه به مردم، با رژیم شاه مبارزه کرد و از سوی دیگر از همین مردم میترسد که با قدرت آنها را محدود سازند و یا روزی که راه خطر رود به انقلاب پشت کند، او را براندازند. بهمین خاطر طبقه‌ی کارگر باید با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص شرایط کنونی سیاست دوگانه‌ای را در برخورد به دولت موقت کنونی در پیش گیرد. از یکسو از حمایت کند و با او متحد شود و از سوی دیگر از کمبودهای او انتقاد نماید و برای رفع آنها مبارزه کند. امروز ما دارای یک دولت ملی هستیم و مناسبات میان مردم و دولت همانند مناسبات میان مردم و رژیم سابق نیست. در گذشته ما مردم را به مبارزه علیه رژیم سابق میکشاندیم و تنها راه یعنی راه مبارزه با او را در پیش گرفتیم، یعنی راه برانداختن آن. رژیم هم در برابر مردم یک راه داشت: سرکوب شدید آنها. در حالیکه با دولت موقت، مردم دو راه -

دارند : راه وحدت و راه انتقاد و مبارزه . این دوراه تاهنگامی که آثار ملی ارزیابی نمکنیم مکمل یکدیگر نبوده و هدف انتقاد و مبارزه رسیدن به وحدت است ، همان وحدتی که امام خمینی آنرا رمز موفقیت جنبش میدانند . ممکن است درزمینهی مشخص و بطور رسمی انتقاد و مبارزه برای مدت کوتاهی جنبه‌ی عمده را بگیرد ولی باید روشن باشد که هدف از آن واژگونی و تفرقه نبوده بلکه وحدت است . بکار بردن این مشی و اصل باید دقیقاً توسط تمام نیروهای خلقی از آنجمله دولت ملی اجرا شود و دولت موقت ملی نباید انتظار داشته باشد که مردم هرچه را که او گفت بدون برخورد انتقادی قبول کنند و کورکورانه عمل نمایند . چنانچه ما ماهیت تضاد میان مردم و رژیم نوین را درست ارزیابی نمائیم و آنرا جزو تضادهای درون خلق قرار دهیم و میان این تضاد و تضاد خلق با دشمن مرز دقیق بکشیم و این دو تضاد ماهیتاً متفاوت را با هم مخلوط ننمائیم ، بیشک قادر خواهیم شد در عین توسعه‌ی آزادی - وحدت رانه تنها حفظ نموده بلکه استحکام بخشیم .

آزادی برای خلق ، قدرت خلاقی مردم را شکوفا میسازد ، آگاهی سیاسی آنها را بالا میبرد ، شرایط بوجود میآورد تا رهبران جمهوری اسلامی به خواستها ، نیاز مندیها ، نظرات و پیشنهادات مردم آگاهی یابند و مشیها ، سیاستها و رهنمودهای خود را طبق آنها تنظیم نمایند . آزادی برای خلق شرایط را برای حل تضادهای درون خلق بشیوهی درست بوجود میآورد و بدین ترتیب به استحکام وحدت خلق کمک مینماید . آزادی برای خلق از تمرکز بیحد جلوگیری و شرایط را برای حل منطقی و محلی بشیوهی درست فراهم میسازد و مناسبات صحیحی بین تمرکز و پراکندگی ، مرکزیت و آزادی کارهای حکومت مرکزی و کارهای در سطح استان و شهرستان و روستاها بوجود میآورد . بدون آزادی برای خلق امکان نایبوساختن علفهای هرزه و حشرات موذی که از رژیم سابق باقی مانده است موجود نخواهد بود . تامین آزادیهای اساسی همانند عقیده مذهب ، بیان و قلم و اجتماعات برای مردم بی تردید حرکت انقلاب را جلو تضمین مینماید و شرایط فراهم میآورد تا مردم با قدرت خود هم در زمینهی سیاسی وهم در زمینهی تشکیلات بیفزایند . در عین تاکید روی آزادی ما باید آگاهی خلق را از مسئلهی انضباط بالابریم و با مرزبندی

میان دوست و دشمن و تاکیدی روی آزادی برای خلق و دیکتاتوری علیحد  
ضد خلق روشن کنیم. در جامعه کنونی ما آزادی بطور مطلق حتی برای  
خلق هم نمیتواند موجود باشد.

\* دیکتاتوری علیه دشمنان ضروریست: جمهوری اسلامی باید  
در حق طبقات و اقشار حاکم گذشته و در حق عمال امپریالیسم بویژه امپریالیسم  
آمریکا و روس دیکتاتوری اعمال کند و فاطحه آنها را سرکوب نماید.  
هرگونه خیال واهی نسبت به آنها بیشک لطافات سنگینی را درآینده  
ببار خواهد آورد. این دیکتاتوری باید به کشتن چند عنصر فاسد و شرور  
آنها محدود نشود، شاید این کوچکترین و کم اثرترین اقدامی است که  
در حق آنها بتوان انجام داد. دیکتاتوری علیه عمال امپریالیستها و  
طبقات و اقشار حاکم سابق باید در کلیه زمینه ها از سیاسی گرفته تا  
نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... اعمال شود، عفا بذهر آلود آنها  
در هر لباسی که باشد باید مجال نیابد که بار دیگر در جامعه اشاعه یابد  
\* آزادی و انضباط: تا آنجا که مربوط به مناسبات

جمهوری اسلامی و طبقات و اقشار خلقی میشود، مناسبات آزادی و -  
انضباط باید برقرار گردد و در کلیه زمینه ها از یکسو حق مردم و از سوی  
دیگر حق ارکانهای دولتی معین شود، چنانچه همراه آزادی، انضباط  
نباشد کار به هرج و مرج میکشد و هرج و مرج به جوجه سود مردم نبوده و  
ضد انقلاب و عوامل امپریالیسم از آن استفاده خواهند کرد. این روزها  
ما شاهد سیاستهای واژگون سازندهی عوامل رژیم سابق و عمال امپری-  
الیسم روس هستیم. یک دستهی آنها تا دیروز بشدیدترین وجهی  
دیکتاتوری میکردند، امروز طرفدار قانون اساسی شده و از قانونیت و  
آزادی برای همه سخن میان میآوردند. دستهی دیگر که در کشور ایده -  
الشان یک میلیون زندانی سیاسی به اشکال مختلف موجود است و ملل  
مسلمان تحت قیمومیت آنها از هرگونه آزادی بیان و مذهب محرومند، با  
اینکه بظاهرا از حکومت جدید پشتیبانی میکنند ولی با رجس "بورژوازی  
میانه رو" به آن، مردم را به عدم پیروی از انضباط درون خلقی  
تشویق مینمایند.

این دو جریان ضد خلقی و ضد مردمی با سرعت پس از پیروزی انقلاب  
وارد عمل شده و با سوار شدن بر ناراضیهای مردم تلاش دارند یک

جریان واژگون کننده و مخرب بوجود آورند. هدف استراتژیک هر دو ی آنها سرنگون کردن قدرت جدید و جایگزینی آن با حکومتی متمایل به امپریالیسم آمریکا و یا امپریالیسم روس می باشد.

ما به حکومت ملی هشدار می دهیم که با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص دقیقاً به خواسته ها و نیاز مندی های واقعی واصل مردم توجه نماید، آزادی را در میان مردم گسترش دهد ولی در عین حال با اراده ی انقلابی، حرکت های واژگون کننده ی بازماندگان رژیم سابق و عمال امپریالیسم روس را سرکوب نموده و درهم شکند.

## ب- ادامه ی انقلاب در جهت تأمین عدالت اجتماعی

ما در بالا دور زمینه در ادامه ی انقلاب را گفتیم: ادامه ی انقلاب بخاطر اسفلال و ادامه ی انقلاب بخاطر آزادی. در اینجا می خواهیم روی سومین زمینه یعنی ادامه ی انقلاب در جهت استقرار عدالت اجتماعی انگشت گذاریم.

از دیدگاه ما منظور از استقرار عدالت اجتماعی در حقیقت انقلاب کردن در نظام تولید و توزیع و حل مناسبات تولیدی بسود زحمتکشان می باشد. بدون تغییر انقلابی در زیربنای جامعه استقرار عدالت اجتماعی واقعی مکان پذیر نیست. عدالت اجتماعی بنا برینش هر طبقه تفاوت میکند. رژیم شاه هم دم از "عدالت اجتماعی" میزد. در کشور ما دست امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ در - استنما رشدید مردم و غارت و حیا و ل ثروت ملی آزاد بود. هر روز ما میرا - لستینا و سرمایه داران وابسته به آنها غنی تر و مردم ما یویزه زحمتکشان فقیر تر میشدند. شاه خائن نام این را حرکت بسوی " تمدن بزرگ" گذاشته بود.

با انقلاب سیاسی پیروز مندا، انقلابی که پارهنگان و فقیران نقش تعیین کننده را در بیروزی آن معده داشتند، شرایط بسرای استقرار یک نظام نوین که به امر زحمتکشان خدمت نماید، فراهم آمده است. در نتیجه جمهوری اسلامی باید در ادامه ی انقلاب کامهای موثری در استقرار عدالت اجتماعی واقعی بردارد. ادامه ی انقلاب در راه - استقلال و آزادی در گرو حل این مسئله بسود زحمتکشان است. کارگران و دهقانان میهن ما که سالها تحت ستم چند لایه ای قرار داشته اند و در

شرایط بسیار ناهنجاری بسرمیبردند. استثمار بسیار شدید وستم بیحد بود، اکنون بیکاری توسعه یافته و در تعدادی ارکارخانه‌ها بویژه صنایع مونتاژ، کارفرمایان جبارانه کارگران را اخراج کرده‌اند. کارگران فعلی عملاً به خیل بزرگ بیکاران پیوسته‌اند و مزدکارگران چندماهه است که عقب افتاده است. زحمتکشان از بدوی ترین امکانات ایمنی، بهداشت، مسکن و فرهنگ محرومند. این اردوی بزرگ کار و زحمت که تمام نعم مادی جامعه را خلق میکنند و بوجدمیا آورد - استخوان بندی قدرت انقلاب را تشکیل میدهد. بدون توجه به نیازمند - بهای آنها ادامه ی پشتیبانی از انقلاب توسط آنها امکان پذیر نیست. جامعه ما احتیاج مبرم به ادامه ی انقلاب بسود زحمتکشان دارد. استقلال طلب واقعی، آزادی خواه حقیقی و مسلمان واقعی مبارز کسی است که در این مورد موضعی استوار اتخاذ نموده و به پشتیبانی از نیاز - مندیهای زحمتکشان برخیزد.

ما برآنیم که حق گرفتنی است و زحمتکشان کشور ما بخاطر کسب حقوق خود، بخاطر کشاندن کل جامعه و دولت در جهت ادامه ی انقلاب بسود آنها، باید متشکل شوند و با ایجاد قدرت متشکل خود نقش سازنده و انقلابی خود را بخوبی و بطور موثری آنطور که شایسته ی آنهاست ایفا نمایند. روشن است که طبقه ی کارگر و دیگر زحمتکشان که در جریان انقلاب پیروزمند کنونی آبدیده شده‌اند باید چگونگی پیشبرد مبارزه ی متشکل اقتصادی و مطالباتی خود را با وظیفه ی مرکزی کل انقلاب و پیش برد وظایف کلیه ی طبقات خلقی و انقلابی همسو و هم جهت نموده و از هر گونه روحیه ی شک روی دوری جویند.

بعضی فرصت طلبان با سوء استفاده از وضع ناهنجار زحمتکشان افکار هر چه و مرج طلبانه و تفرقه افکنانه را در میان آنها اشاعه میدهند. هدف آنها ایجاد تفرقه در میان زحمتکشان، جدا کردن آنها از کل جنبش و در آخرین تحلیل کشاندن جنبش بشکست است. تنها با ایجاد همسوئی و همراهی در سه زمینه - مبارزه بخاطر استقلال، مبارزه بخاطر آزادی و مبارزه بخاطر عدالت اجتماعی - تنها با عمده شمردن مبارزه بخاطر استقلال در این مرحله و تکمیل کردن آن با دوم مبارزه دیگر است که ادامه ی انقلاب امکان پذیر بوده و حرکت بسوی یک جامعه نوین که

ببود زحمتکشان باشد میسر میشود .

\* \* \* \*

در آخر آنچه را که در پیش گفته‌ایم جمع می‌زنیم :

\* انقلاب پیروزمندسای ما ، رژیم فاشیستی شاه و طبقات  
ارتجاعی حاکم را سرنگون کرد و ضربه‌ی مهلکی بر پیکر امپریالیسم  
آمریکا وارد ساخت .

\* این انقلاب با اینکه از لحاظ محتوا، انقلابی از نوع بورژوازی  
است که در اوضاع مساعد کنونی جهان با شرکت وسیع توده‌ها در انقلاب و  
به کف آوردن قدرت نه از طریق پارلمان بلکه از طریق مبارزه و مقاومت  
میلیونی توده‌ها ، مبارزات آنها به اشکال مختلف کاربرد قهر و  
منجمله دست بردن به اسلحه صورت گرفت و به تکامل انقلاب ضد -  
امپریالیستی و دمکراتیک جامعه‌ی ما کمک موثری کرد .

در ادامه‌ی انقلاب مبارزه بخاطر قطع کامل نفوذ امپریالیسم در  
کلیه‌ی زمینه‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا که سالیان دراز بر میهن ما  
سلطه داشته ولی نفوذش با این انقلاب تضعیف گشته و قطع نفوذ امپریا -  
لیسم روس که تلاش دارد جای آمریکا را بگیرد ، جریان عمده‌ی مبارزه را  
تشکیل میدهد .

\* همانطور که رمز موفقیت و پیروزی انقلاب در وحدت بزرگ خلقهای  
ایران بود ، ادامه‌ی انقلاب نیز در گروه‌مین وحدت و فشرده‌تر کردن آن  
است . باید جبهه‌ی بزرگ خلق را علیه امپریالیسم آمریکا و روس -  
عمال آنها گسترش دهیم و آنرا تحکیم بخشیم .

\* مبارزه بخاطر بسط دمکراسی و یا بطور عام مبارزات دمکراتیک  
در جامعه‌ی ما باید در خدمت پیشبرد امر مبارزه بخاطر استقلال همه جانبه  
میهنمان قرار گیرد . ولی این مبارزات جنبه‌ی تبعی دارند . بنا بر -  
این مناسبات بین مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک را باید به  
درستی حل کرد و آنها را از نظر اهمیت جا بجا ننمود .

\* باید میان دو نوع تضاد - تضاد میان خلق و ضد خلق و تضاد میان  
خود خلق ، مرز بندی نمود . خلق را امروز کارگران ، دهقانان ، خرده -  
بورژوازی و بورژوازی ملی و دیگر عناصر میهن پرست تشکیل میدهند .  
آنها در مجموع دوستان انقلاب اند ولی تضاد بین آنها و امپریالیسم

بویژه امپریالیسم آمریکا و روس و طبقات ارتجاعی حاکم سابق  
تضادی است از نوع تضاد میان خلق و دشمن . این تضاد باید از طریق  
اعمال قدرت توسط دولت و مردم علیه دشمن به شکل که ضروریست حل  
شود . اما تضادهای درون خلق که بععلل تاریخی و وضع مشخص در کشور ما  
زیادند ، در شرایط کنونی باید با شیوه های دمکراتیک یعنی از طریق  
مشورت اقناع ، مشورت ، اقناع و انتقاد حل شوند و نه با شیوهی توسل به  
اجبار و زور و یاقهر .

با شور و شوق انقلابی از پیروزی بزرگ خلقهای خود استقبال  
نمائیم . دستاوردهای انقلاب را گرامی بداریم . با اکثریت متحد شویم  
جبههی متحد بزرگ خلق را گسترش داده ، استحکام بخشیم و بزرگترین  
نیرو را برای ادامهی انقلاب و مبارزه علیه امپریالیسم بویژه آمریکا  
و روس متمرکز کنیم .

همانطور که توده ها قدرت لایزال خود را در انقلاب نشان دادند با  
آگاه ، بسیج و مشکل کردن توده ها و باتکیه به آنها ما  
قادریم میهن عزیز خود را از چنگال امپریالیست ها نجات دهیم و انقلاب  
را تا به آخر به پیش رانیم .



کارگران جهان، خلقها و ملل ستمدیده متحد شوید!

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)